

## نگرشی بر تحول و توسعه تاریخی حقوق معاهدات بین‌المللی

دکتر سیدباقر میرعباسی\*

در این بررسی مختصر، ابتدا با نظر اجمالی به وجود و تحولات معاهدات در ادوار مختلف به این نتیجه می‌رسیم که برای برقراری روابط بین‌جوامع سیاسی، همیشه معاهدات ابزار مناسبی بوده‌اند و به تدریج در عرصه‌های مختلف بین‌المللی نقش قانون‌سازی به خود گرفته‌اند.

سپس به علل و زمینه‌های افزایش اهمیت عهدنامه‌ها در قرن حاضر توجه شده و مهم‌ترین عوامل دخیل در این راستا مورد مطالعه قرار گرفته است و در پایان در مسیر این دگرگونی و تحولات، جامعه بین‌المللی امروز موفق شده است مجموعه قواعد و اصول مشترکی را تحت عنوان «حقوق معاهدات بین‌المللی» تنظیم کند.

## مقدمه

در کلیه دوران تاریخی، معاهدات صلح، معاهدات تعیین سرحدات، معاهدات اتحاد و حتی معاهدات حل اختلافات، از طریق سازش و داوری انعقاد یافته است.<sup>۱</sup> نوشته‌اند که در طول بیش از سی قرن یعنی از ۱۵۰۰ قبل از میلاد تا ۱۸۶۰ م متجاوز از هشت هزار، فقط معاهده صلح منعقد شده است.<sup>۲</sup> این‌گونه معاهدات تنها بین واحدهای سیاسی و عناصر یک تمدن خاص منعقد نشده، بلکه بین اشخاص و واحدهای سیاسی تمدن‌های مختلف هم برقرار گردیده است.

بررسی تحول و توسعه تاریخی معاهدات در ادوار مختلف تاریخی هرچند دشوار، خسته کننده و حتی به زعم برخی بی فایده می‌نماید، ولی برای شناخت هرچه بیشتر قانونمندی، اهمیت، نقش و جایگاه فعلی آن در حقوق بین‌الملل، امری گریزناپذیر است. لذا ابتدا مختصر نگاهی به تحول و توسعه تاریخی معاهدات و ادوار مختلف خواهیم داشت، سپس بر روی تلاش‌ها و اقداماتی تکیه خواهیم کرد که در قرن حاضر برای قانونمند نمودن آن به عمل آمده است.

## اول: تحول و توسعه تاریخی معاهدات در ادوار مختلف

## (۱) تحول و توسعه تاریخی معاهدات در عهد باستان

## الف - شرق باستان

از همان آغاز تاریخ مستند، یعنی از ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد، دو واحد سیاسی بزرگ یعنی امپراطوری‌های بین‌النهرین و فراعنه مصر که کتفدراسیون‌های زمان خود محسوب‌اند، ایفاگران نقش اساسی روابط بین‌المللی آن روزگاران بودند.

تقریباً ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد بین ایناتوم (فرمانروای فاتح کشور - شهر<sup>۳</sup> لاگاش، از شهرهای بین‌النهرین) و مردم اوما (یکی دیگر از کشور - شهرهای بین‌النهرین) معاهده‌ای منعقد شد.<sup>۴</sup> این معاهده به زبان سومری است و در کتیبه یک سنگ یادبود که در دهه

اول همین قرن کشف گردید، محفوظ مانده است. البته اطلاق نام «کشور» بر این دو واحد سیاسی، گزافه است، اما به هر حال با یکدیگر جنگ داشته‌اند و در این معاهده، مصونیت نهر سرحدی و سنگ مرزی خود را اعلام می‌دارند و مردم مغلوب اوما، به موجب قَسَمی که به شش یا هفت تن از خدایان بسیار نیرومند سومری می‌خورند، این سرحد را به رسمیت می‌شناسند. در این مورد خدایانی که بین طرفین مشترک بودند ضامن اجرای معاهده قرار داده شده‌اند و هر طرف که دست به تجاوز می‌زد مجازات می‌شد.

در این دوران، معمولاً طرفین متخاصم به موجب سوگند ملزم به رعایت معاهده می‌شدند ولی هر جا که خدایان محلی طرفین متفاوت از هم بودند، هر طرف خدایان خود را به شهادت می‌طلبید. قَسَم خوردن یک طرفه، مثل مورد لاگاش - اوما، گویا حاکی از حالت تبعیت و بندگی همان طرف بوده است.

نویسندگان اظهار داشته‌اند که معاهده لاگاش - اوما، ماده‌ای هم در باب داوری داشته است که ضمن آن می‌خواسته‌اند حکمیت را به صورت یکی از مقدس‌ترین رسوم بشریت در آورند، ولی آنچه مسلم است این است که سنگ مرزی بین لاگاش و اوما را میزی لیم (Mesilim)، پادشاه قوم کیش (Kish) که همسایه آن دو بود، نصب کرد و گویا این پادشاه اختیاردار دو شاهزاده لاگاش و اوما بوده<sup>۵</sup> و در این مورد به عنوان داور عمل کرده است.<sup>۶</sup>

تا آن جا که دانش امروز ما حکم می‌کند بین معاهده لاگاش - اوما و معاهده دومی که مدرک مستند آن موجود می‌باشد، یک دوره هزار ساله فاصله افتاده است. از دوره هزار ساله دوم قبل از میلاد مسیح، متون بسیاری از معاهدات روی تخته‌های سفالین یا یادبودها باقی مانده است که متعاهدین اکثر آن‌ها حکمرانان مصری یا حتی‌ها (Hittites) بوده‌اند.<sup>۷</sup> بابل و آشور نیز مثل مصری‌ها از این حیث مقدم‌اند. در این معاهدات علاوه بر مسئله صلح، راجع به مسئله مناسبات و خطوط مرزی طرفین نیز گفت‌وگو شده است.

از میان معاهدات محفوظ هزاره دوم قبل از میلاد، مهم‌تر از همه معاهده صلح و اتحاد بین رامسس دوم از فراعنه مصر و هاتوسیلی دوم از شاهان حتی‌هاست که به سال

۱۲۸۰ قبل از میلاد منعقد گردید. این معاهده به زبان هیروگلیف مصری نوشته شده است اما بر اساس کشفیاتی که در سال ۱۹۰۷ م در سوریه انجام شده این معاهده به زبان اصلی کلدانی که زبان «دیپلماسی» مرسوم بین پادشاهان شرقی این دوره بوده نیز نگاشته شده است.

حکمرانان متعاهد به موجب این معاهده اعلام می‌دارند که صلح و اتحاد دائمی بین آنان حکمفرما گردیده و متعهد می‌شوند که علیه دشمنان داخلی نیز به یک دیگر متقابلاً کمک کنند و اگر این دشمنان به فرمانروایان کشور طرف دیگر پناه بردند به موجب همین معاهده مسترد خواهند شد. هم‌چنین قید گردیده است که مجرم استرداد نباید مجازات شود و اضافه شده است که: «برادری» (بنا به تعبیر معاهده) جدید دو فرمانروا، به موجب همین معاهده شامل حال پسران و دو کشور آنان هم می‌شود و در معاهده تأکید می‌شود که هزار تن از خدایان حتی و هزار تن از خدایان مصری که نام برخی از آنان هم در معاهده ذکر گردیده است ضامن صحت اجرای آن‌اند و در صورت تخلف آرزوی نابودی حکمران مختلف، خانواده، سرزمین و تابعانش شده است.<sup>۸</sup> در مصر معمولاً معاهدات مهم را که به ترتیب فوق منعقد می‌شد در معابد بزرگ نگهداری می‌کردند.

هر چند به نظر "تاب و نوس" بام در این اواخر راجع به حقوق بین‌المللی در کشور هند و چین قدیم تحقیقات چندی طبع و منتشر شد ولی از آن‌ها مطلبی که بتوان آن را به حقوق معاهدات مربوط دانست روشن نمی‌گردد<sup>۹</sup>، و این‌گونه اظهار نظرها مورد تأیید صاحب نظران هندی و چینی و حتی برخی نویسندگان غربی نیست<sup>۱۰</sup>.

به نظر صاحب نظران هندی، شاید یکی از قدیمی‌ترین سند حقوق عام ملل، مجموعه قوانین هندوستانی منو (Manu) است. قوانین منو مجموعه دستورهایی است درباره سیاست، حقوق ملل، تجارت و امور نظامی و قراردادهای مرزی، و از لحاظ شکل، این مجموعه از قوانین هند قدیم گردآوری شده است.

برحسب این مجموعه، دیپلماسی عبارت است از فن هنر و جلوگیری از جنگ و حفظ و تحکیم مبانی حالت صلح، و «حالت صلح و حالت ضد آن جنگ مربوط به سفیران است، زیرا فقط سفرا می‌توانند موجبات اتحاد را فراهم آورند و هم‌چنین

سفیران می‌توانند متحدین را از هم جدا کنند. اموری که صلح یا جنگ را میان شاهان ایجاد می‌نماید، جمعاً در اختیار و اقتدار آنان است»<sup>۱۱</sup>.

هم‌چنین به اعتقاد نویسندگان چینی، معاهدات از مهم‌ترین اسناد روابط متقابل بین کشورها می‌باشند. به نظر پروفیسور وانگ تی‌یا: چین دوران اسپرینگ و آتمن و وارینگ از این قاعده مستثنا نبوده است. بیش از صدها معاهده از این دوران ثبت شده است. این معاهدات به صورت دوجانبه و چندجانبه و اساساً دربارهٔ موضوعات سیاسی، روابط دوستانه، کمک‌های متقابل، اتحاد و میثاق‌ها و غیره بوده است. معاهدات، غالباً به زبان رسمی متداول و مشتمل بر سه قسمت بوده است: مقدمه، بیان اهداف و موادی که منعکس‌کنندهٔ تعهدات متقابل طرفین بوده است و در آخرین قسمت معاهده سوگبندی آمده است مبنی بر این‌که خشم و غضب خداوند نصیب کشوری خواهد بود که این قرارداد مقدس را نقض کند. معاهدات، به خصوص آنهایی که با امضای فرمانروایان آراسته می‌شد، با تشریفات رسمی منعقد می‌گردید.<sup>۱۲</sup>

بنابر نظر وانگ تی‌یا، بعد از آن‌که در زمان فرمانروایی امپراتور کین (Qin) چین به اتحاد دست یافت، تا اواسط قرن نوزدهم میلادی دیگر نشانی از معاهدات نیست.

این معاهدات که همواره با علامات و اشارات مذهبی استحکام می‌پذیرفت، قدیمی‌ترین دورهٔ تاریخ مستند مشرق زمین را آشکار می‌کند که در حقیقت و اصولاً یک تاریخ مستند

### ب - یونان باستان<sup>۱۳</sup>

طی اولین هزارهٔ اول قبل از میلاد، مردم یونان وارد صحنهٔ تاریخ شدند و با سرعت تمام و توجهی شگفت‌انگیز فرهنگی چنان بلند و جامع به هم رساندند که خود به صورت سرچشمهٔ پایان‌ناپذیر و الهام‌بخش نسل‌های آینده درآمد. با این همه، در میدان امور بین‌المللی، دید مردم یونان تنگ بود. در عصر استقلال یونان، بین این کشور و سایر اقوام غیر یونانی چند معاهده بسته شد، اما به طور کلی مردم یونان، مردم غیر یونانی را بربر و دشمنان مادرزاد خود به‌شمار می‌آوردند و معتقد بودند که دست طبیعت این اقوام را برای بردگی آنان به وجود آورده است. ارسطو در یکی از قسمت‌های کتاب معروف

خود به نام سیاست<sup>۱۴</sup> می‌گوید: جنگ با اقوامی که به حکم تقدیر باید تحت سلطه یونان باشند و سر عدم تسلیم در پیش گرفته‌اند به منزله شکار است و نیز اظهار می‌دارد که این نوع جنگ «طبعاً عادلانه» می‌باشد (!). قراردادهای سیاسی معمولی مثل معاهدات صلح و اتحاد و هم‌عهدی، مجموعه اسناد و مدارکی است که از یونان باقی مانده است، و قابل توجه آن‌که تا قرن چهارم قبل از میلاد معاهدات صلح معمولاً برای یک مدت معین منعقد می‌شد<sup>۱۵</sup>. به موجب سایر موافقت‌نامه‌ها، که غالباً ضمن معاهدات سیاسی منظور می‌گردید، حق آزادی شخصی و صیانت از دارایی (که شامل حق تحصیل املاک غیرمنقول می‌شد) به تبعه دولت‌های متعاهدین اعطا می‌گردید. این موافقت‌نامه‌ها با معاهدات بازرگانی عصر جدید قابل مقایسه است. این قراردادها (که «برابری‌های حقوق سیاسی» نامیده می‌شد) فوق‌العاده متنوع بود. موافقت‌نامه‌های دیگر نیز به ضمیمه قراردادهای سیاسی تنظیم می‌گردید که مسئله واردات و صادرات و میزان واحد پول رایج را تدرک می‌کرد، اما در عین حال تعداد موافقت‌نامه‌های آنان درباره امور کشتی‌رانی به نظر اندک می‌نماید.

یکی از خصوصیات برجسته یونان این زمان، مسئله حکمیت بود که در اختلافات سرحدی و حقوق طرفین نسبت به آنهار و چشمه سارها و سایر دعاوی ناشی از مقررات ملّی، از آن استفاده می‌شد. حتی برای داوری در منازعاتی که ممکن بود بین دسته‌های سیاسی پیدا شود، معدودی موافقت‌نامه تدوین شده بود که البته خیلی نقص داشت. داورها برای این‌که بی‌طرفانه حکم کنند ملزم به ادای سوگند بودند و ادای سوگند هم بعضی اوقات در اماکن مقدس به عمل می‌آمد. معمولاً یک دولت ثالث به عنوان حکم انتخاب می‌شد نه یک فرد و از این مطلب چنین برمی‌آید که حکمیت کاملاً یک مفهوم سیاسی داشت. دولت ثالث می‌توانست اختیار حکمیت خود را به کمیته‌ای مرکب از سه نفر یا عده بیش‌تری شهرنشین واگذار کند. هم‌چنین می‌توانست این اختیار را به یک گروه بزرگ احاله کند و به هر حال عده انتخاب‌شوندگان کم‌تر از ششصد نفر نبود و این خود دخالت عامل سیاسی را در امر حکمیت تأیید می‌کند. پس از مرگ اسکندر کبیر (۳۲۳ قبل از میلاد) و در دوران هلنستیک (Hellenistic) یک سلسله فدراسیون (کشورهای

هم‌پیمان) تشکیل شد که هنگام بروز منازعات بین اعضای کهنتر، غالباً به داوری متوسل می‌شدند ولی این نوع حکمیت از رهگذر نظارتی که اعضای نیرومند فدراسیون اعمال می‌کردند گویا کم و بیش جنبه اجباری داشته است، لذا مشکل می‌توان آن را با حکمیت مرسوم بین دولت‌های مستقل عصر جدید برابر به‌شمار آورد. مسئله قراردادهای داوری شاید درخشنده‌ترین آثار «حقوق بین‌الملل» و «حقوق معاهدات» یونان باشد ولی نویسندگان درباره اهمیت آن راه غلو پیموده‌اند.

از مطالب گفته شده چنان برمی‌آید که اکثر معاهداتی که در روابط دولت‌های یونان قدیم رعایت می‌شد، جنبه مذهبی داشت و با وجود استقلال دولت‌ها، این قراردادها در واقع بیش‌تر داخلی و بین شهرها بود و کم‌تر به خانواده ملل، آن‌هم در معنای وسیع خود ارتباط داشت. با این وصف، این‌گونه معاهدات چنان دقیق و کامل تنظیم شده‌اند که تا قبل از قرن نوزدهم میلادی اثری همانند آن‌ها دیده نمی‌شود.

### ج - روم قدیم

زمینه مذهبی داشتن معاهدات بین رومی‌ها، به مراتب بیش از معاهدات یونانی‌ها بود. از همان اوایل دوره پادشاهان، که در سال ۵۰۹ قبل از میلاد خاتمه می‌یابد، گروه خاصی از روحانیون موسوم به *Fétiaux* یا *Fetiales* متکفل اداره مراسم و تشریفات مذهبی مربوط به معاهدات و سایر مسائل بین‌المللی (سفارت و استرداد مجرمین) بودند. مراسم و شعائری که پس از ختم معاهدات انجام می‌گرفت اساساً با آنچه در دوران باستان و بین سایر ملل وجود داشت تفاوتی نمی‌کرد. این مراسم مشتمل بود بر استمداد از خداوندان و قربانی‌ها و سب خود. هم‌چنین تعیین این‌که آیا یک ملت خارجی تعهدات و تکالیف خود را نسبت به رومی‌ها نقض کرده است یا نه برعهده همین روحانیون بود.

معاهدات نسبتاً اندک رومی‌ها بیش‌تر در دوره جمهوری منعقد شده است و این‌ها روی هم رفته از حیث حقوق بین‌الملل، نمونه‌های خوبی محسوب نمی‌شوند. قسمت اعظم آن‌ها با عبارات فنی و موجز، روش‌های توسیع سیاسی رومی‌ها را نشان می‌دهند و اغلب به پیمان‌های تبعیت مربوط‌اند.

## ۲) تحول و توسعه تاریخی معاهدات در قرون وسطی\*

مباحث و منابع مربوط به قرون وسطی آن قدر زیادند که در این بررسی تاریخی محدود، قابل مطالعه نیستند. لذا، به صورت خلاصه از حقوق سلطنتی و قدرت دینی و با دقت درباره ارتباطشان با تاریخ حقوق معاهدات، بحث می‌کنیم.

### الف - حقوق سلطنتی

در ابتدای دوره انتقالی، و حتی زودتر از آن (۲۲۴ م) ایرانیان یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های جهان را در خاورمیانه شکل داده بودند. ساسانیان پادشاهی مقتدری در آخر دوره باستان و ابتدای قرون وسطی (۲۲۲-۶۵۲ م) تأسیس کردند و در طول این مدت، سرزمین‌های زیادی را از امپراطوری روم فتح کردند. بعدها اختلافات ارضیشان را حل کردند و متعاقباً تعدادی معاهده با امپراطوری روم و سایر دول همسایه منعقد کردند.<sup>۱۶</sup> از این زمان به بعد، امپراطوری روم و پادشاهی ساسانی ضمن احترام متقابل در کنار هم به عنوان حاکمان مستقل (هر چند به صورت دو فاکتو) باقی ماندند و به تعهدات قراردادی‌شان نیز احترام می‌گذارند.

هر چند فرم شفاهی معاهدات در روم معمول بود ولی به تدریج در دوره امپراطوری شکل کتبی متداول می‌گردد. معاهده صلح معروفی که سال ۵۶۲ م بین ژوستینیان امپراطور روم و خسرو پرویز اول پادشاه ایران منعقد می‌گردد، نمونه‌ای کامل از معاهدات کتبی است.<sup>۱۷</sup> طریقه انعقاد معاهده و خلاصه‌ای از آن، چنین است: نمایندگان طرفین هر کدام متن معاهده را به زبان خودی (پارسی و یونانی) انشا می‌کنند. سپس به کمک مترجم، متن ترجمه شده با متن اصلی مطابقت داده می‌شود و دوازده مترجم صحّت متن ترجمه شده از سوی طرفین را تأیید و مهر می‌کنند. از سوی پادشاه ایران زیخ (Zich) و از سوی امپراطور روم پترس (Petros) یا پی‌یر (Pierre) اسناد ترجمه و تأیید شده را به یکدیگر تسلیم و یک نسخه از متن اصلی به زبان خودی را نزد خود جهت وقوف از متن تعهد نگهداری می‌نمایند.<sup>۱۸</sup> ماده ۱۲ معاهده ضمانت اجرای آن را منعکس

\* از سقوط امپراطوری روم (۴۷۶ م) تا سقوط قسطنطنیه (۱۴۵۳ م) با ناکشف امریکا در سال (۱۴۹۲ م) را قرون وسطی می‌نامند.



می‌سازد: «خداوند دوستداران و علاقه‌مندان صلح را همواره از عنایت و یاری خود برخوردار سازد و اهل خدعه و فریب را که بخواهند کم‌ترین لطمه به مواد این عهدنامه وارد سازند به قهر و غضب جبران‌ناپذیری دچار گرداند».

با این معاهده، حمایت از اقلیت‌های مذهبی بنیاد گذارده شد و این امری است که در قرون بعد اهمیت بی‌سزا پیدا کرد. خسرو اول قول داد که به مسیحیان همان حقی را اعطا کند که بعدها به نام حق پرستش «ملی» معروف شد؛ یعنی به آنان اجازه داد که در ایران کلیسا و گورستان داشته باشند و از شرکت در آیین مذهبی زرتشت هم (مذهب رسمی ایران) معاف بودند؛ فقط باید از تبلیغ دین مسیح خودداری می‌کردند. ژوستینیان البته برای پیروان زرتشت در خطهٔ بیزانس حاضر نشد که نظیر همین تساهل و مدارا را در پیش گیرد، ولی به موجب آن معاهده متعهد شد که از مهاجرت مسیحیان ایرانی به قلمرو بیزانس جلوگیری به عمل آورد و حتی متخلفین را تبعید کند. معاهده مزبور هم‌چنین ماده‌ای داشت<sup>۱۹</sup> شبیه شرط «غیرنظامی» کردن، یعنی هیچ نوع تأسیسات نظامی تازه نمی‌بایست در مرزهای مشترک ایجاد شود. از دقایق قضایی این معاهده، مادهٔ مربوط به جریمه بود<sup>۲۰</sup> که هرگاه تعهدات ناشی از قرارداد نقض می‌شد مورد اجرا قرار می‌گرفت. به نظر آرتورنوس بام، این معاهده گواه بر پیشرفت تمدن هر دو کشور بوده است.<sup>۲۱</sup>

### ب - قانون کلیسایی

اوضاع و احوال دنیای غرب در قرون وسطی برای رشد حقوق بین‌الملل و نیز حقوق معاهدات مساعد نبود. در طول چندین قرن، کلیسا یک دستگاه قانونی جامع را به نام قانون شرع به وجود آورد.<sup>۲۲</sup> قانون شرع جنبهٔ «ملی» یا «بین‌المللی» نداشت، بلکه حائز جنبه‌ای «ما فوق ملی» و جهانی بود و همهٔ مردم جهان را به اطاعت از مسیحیت مجبور می‌کرد. این قانون گرچه در وحلهٔ نخست به مواضع روحانی و اخلاقی و کلیسایی پرداخته بود ولی بعدها، مستقیم و غیرمستقیم متعرض حوزه‌هایی شد که جنبهٔ دنیوی داشت؛ به خصوص، کلیسا قادر بود که قوانین را در قلمرو روابط بین‌المللی به موقع اجرا بگذارد، و این قوانین خیلی بیش از قوانینی که بر اثر حقوق بین‌الملل عصر ما پیدا شده است، جنبهٔ اجباری داشت؛ در حقیقت این قوانین با چند ضمانت اجرای مؤثر از جمله:

تکفیر و تهدید به عذاب دنیوی و اخروی، پشتیبانی می‌شد.

شاید مهم‌ترین کمک کلیسا در زمینه امور دنیوی، به قانون جنگ و صلح ارتباط داشت. کلیسا از طریق اعلام «متارکه‌های خدایی»، توسل به جنگ را در برخی روزها ممنوع نمود و این اعلام کلیسا در سال ۱۱۷۹ م به‌عنوان یک قانون عمومی کلیسایی شناخته شد.<sup>۲۳</sup> موارد دیگر قانون‌گذاری کلیسا عبارت بود از تحریم بردگی اسیران جنگی مسیحی مذهب و ممنوعیت استعمال کمان پولا دین و کمان عادی. اما استعمال اسلحه زهرآگین ممنوع نبود.

رسم استوار ساختن معاهدات و قول قرارها از طریق سوگند، طی قرون وسطی، هم‌چنان پابرجا ماند. در این دوره، سوگند می‌بایست جنبه «جسمانی» هم داشته باشد؛ به عبارت دیگر، یک حرکت بدنی ضروری بود، مثل قرار دادن دست روی انجیل یا روی یادگارهای مقدس. تا قرن دوازدهم، ادای سوگند در حکم اکمال خود معاهده محسوب می‌شد ولی بعدها، با رواج فن نوشتن، نفس توشیح و تبادل اسناد معاهده، عمل نهایی محسوب می‌شد، سوگند صرفاً جنبه فرعی پیدا کرد.<sup>۲۴</sup>

### ج - حقوق اسلامی

با ارزش‌ترین مشارکت اسلام در تاریخ حقوق معاهدات و حقوق بین‌الملل، مربوط به ابتدای ظهور اسلام است. پس از این‌که قرآن اصل «اعتبار عهد» را تأسیس کرد<sup>۲۵</sup>، با عمل پیغمبر ﷺ بنا به مقتضای شرایط زمان و مکان، و با توجه به مقاصد اجتماعی و سیاسی، معاهدات و قراردادهایی بین غیرمسلمین و مقامات اسلامی منعقد شد. این معاهدات بعدها برای جانشینان او سرمشق عمل قرار گرفت. معاهدات پیغمبر ﷺ از قرارداد صلح بین قبایل اوس و خزرج که یهودی‌های مدینه به آن ملحق شدند تا عهدنامه حدیبیه که به موجب آن بین مسلمین مدینه و مشرکین مکه صلح موقتی به وجود آمد، صورت‌های مختلفی داشت. حضرت محمد ﷺ علاوه بر این، برای یهودی‌ها و مسیحیایی که تحت تبعیت دولت اسلامی درآمده بودند، منشورهای اساسی صادر کرد. اولین عهدنامه حضرت محمد ﷺ پس از هجرت برای آشتی دادن بین قبایل مدینه تنظیم شد. اولین قسمت این عهدنامه درباره روابط قبایل مدینه بحث می‌کند و قسمت

بعدی آن درباره اتحاد با یهودی‌ها.<sup>۲۶</sup> یکی دیگر از عهدنامه‌های مهم زمان رسول الله ﷺ، پیمان صلح یا آتش بس حدیبیه است.

هر چند مسلمانان در تنظیم روابط خارجی خود و تنظیم عهدنامه‌ها، تحت تأثیر معیارها و ضوابط به یادگار مانده از رومیان و ایرانیان بوده‌اند،<sup>۲۷</sup> ولی به تدریج و با توسعه جامعه سیاسی-اسلامی، معیارها و ضوابط خاص نظام حقوقی اسلامی استوار می‌گردد که با دقت و مطالعه در انواع قراردادها و عهدنامه‌ها در دوران مختلف، می‌توان به بعضی از اوصاف کلی آن‌ها اشاره کرد:<sup>۲۸</sup>

۱- عهدنامه‌های مسلمانان به‌طور عمومی مختصر و کلی بود، و اهمیتی در ترویج مواد و طرز اجرا و عمل به آن منظور نمی‌شد. جمله‌بندی‌ها ساده بود و حتی در مواردی به‌واسطه اختصار در متن مبهم می‌نمود.

۲- مقدمه هر عهدنامه‌ای با نام خدا (بسمله) شروع می‌شد و سپس اسامی نمایندگان طرفین یا اطراف با القابشان ذکر می‌شد و عهدنامه غالباً به شرح اسامی شهودی که هنگام تنظیم متن یا به اصطلاح «پیش‌نویس» در جلسه حاضر بودند، خاتمه می‌یافت.

۳- محتویات و مندرجات عهدنامه‌ها به اختلاف مقاصد و مواردی که در بین بود، از قبیل عهدنامه‌هایی که در مطالب مذهبی بحث می‌کرد (مخصوصاً در عهدنامه‌های صدر اسلام) با قراردادهایی که در دوره خلفای بعدی به‌منظورهای سیاسی یا اقتصادی تنظیم می‌شد، فرق می‌کرد. فقهای اسلامی بین عهدنامه‌های دائم و عهدنامه‌های موقت فرق گذاشته‌اند و قراردادهای با ذمی‌ها را دائمی تلقی می‌کنند، در مقابل قراردادهایی را موقت می‌دانند که با دارالحرب منعقد شده و جهاد با آن‌ها در حال تعلیق مانده است (اغلب فقها حداکثر یک دوره ده ساله را مجاز می‌دانند).

۴- تعیین و تصریح مدت قراردادهایی که با مقامات غیراسلامی منعقد می‌شد، با فقهای مسلمان بود.

۵- مقامات اسلامی اجرای مناسبات و تفاهات متقابلی را که برقرار می‌کردند، در حکم وظیفه دینی می‌دانستند و انجام آن را واجب و فرض عینی تلقی می‌کردند و ادای سوگند به عنوان تضمین چندان معمول نبود.

۶- و بالاخره، بر همان منوالی که انعقاد قرارداد و امضای آن موکول به توافق و تراضی طرفین است، پایان دادن به آن نیز برعهده طرفین است.<sup>۲۹</sup>

### ۳) از پایان قرون وسطی تا اواسط قرن بیستم الف- از پایان قرون وسطی تاکنگره ۱۸۱۵ وین

از اواخر قرن پانزدهم وقوع دو پدیده مهم یعنی کشف قاره امریکا (۱۹۴۲ م) و رنسانس یا رفرم دینی، تأثیر به‌سزایی در روابط دول اروپایی و غیراروپایی با یکدیگر به جا گذاشت. هم‌چنین پیدایش دولت‌ها (کشورها) در اروپا موجب بسط روابط اروپاییان با غیر اروپاییان و تسلط بر آن‌ها گردید. از این زمان تا اواسط قرن بیستم، دول اروپایی با زیر سلطه در آوردن کشورهای آسیایی، آفریقایی و امریکایی تجارت بین‌المللی خود را گسترش داده و به منظور کسب و تثبیت هر چه بیشتر منافع خود، معاهدات مختلفی را با کشورهای تحت سلطه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، بازرگانی و فرهنگی منعقد کردند. در این‌گونه معاهدات که اساساً نابرابر، غیرعادلانه و تحمیلی بودند، قواعد کلی حقوق بین‌الملل متداول در بین اروپاییان که توسط صاحب‌نظرانی همچون سوارز اسپانیایی، گروسیوس هلندی، پوفندورف آلمانی، بینکرشووک هلندی، اوپنهایم انگلیسی، واتل سویسی، وولف آلمانی، آنزپلوتی ایتالیایی، لوترپاخت انگلیسی، تری‌اپل آلمانی، ژرژسل فرانسوی و... طرح و دفاع می‌شد، کم‌تر به اجرا گذاشته می‌شد.

در این دوران، معاهدات چندجانبه متعددی بین کشورهای اروپایی منعقد شد که از آن جمله می‌توان به معاهدات وستفالی (۱۶۴۸)، ریسویک (۱۹۶۷)، اوتریخت (۱۷۱۳)، راشتادویاون (۱۷۱۴)، آخن (۱۷۴۸)، فوتن بلو (۱۷۶۲)، و پاریس (۱۸۱۴) اشاره کرد.<sup>۳۰</sup> اما روابط اروپاییان با کشورهای غیراروپایی (یا دنیای خارج)<sup>۳۱</sup> به صورت خاصی تنظیم شده بود. از نظر اروپاییان دنیای خارج دو صورت داشت: یک صورت آن عبارت بود از کشورهایی مانند امپراتوری عثمانی، ایران، چین، ژاپن و... که از یک حاکمیت متمرکز برخوردار بودند و صورت دیگر آن عبارت بود از جوامعی که فاقد یک حاکمیت متمرکز بودند، مانند جوامع قبیله‌ای یا جوامعی که در آسیا و آفریقا تحت اقتدار

مالکان و اربابان محلی بودند. در مورد کشورهای دسته اول، کشورهای اروپایی و ایالات متحده امریکا روابطشان را بر مبنای قراردادهای «کاپیتولاسیون» مستقر می‌کردند، حال آنکه به سرزمین‌های جوامع دسته دوم چشم طمع دوخته بودند و آنجا را تصرف و جزء قلمرو مستعمراتی خود می‌کردند.

قراردادهای «کاپیتولاسیون»<sup>۳۲</sup> قراردادهایی بود که بین کشورهای اروپایی و حکمرانان مسلمان امپراتوری عثمانی و نیز با ایران، سیام، چین و ژاپن از قرن شانزدهم به بعد منعقد می‌شد و این گونه قراردادهای در قرن هفدهم و هجدهم نیز سخت رواج پیدا کرد. از قرارداد اول فوریه سال ۱۵۳۵ بین فرانسوی اول (پادشاه فرانسه) و سلطان سلیمان اول (سلطان عثمانی) و قرارداد ۲۸ مه سال ۱۷۴۰ بین دربار فرانسه (لوئی پانزدهم) و دربار امپراتوری عثمانی (سلطان محمد اول) معمولاً به عنوان اسنادی که خصوصیات اصلی نظام کاپیتولاسیون را تبیین کرده است، نام می‌برند. هدف قراردادهای مزبور، تنظیم وضع اتباع کشورهای غربی در قلمرو کشورهای غیراروپایی و به گونه‌ای یک طرفه بوده است.

سه خصوصیت اساسی در نظام قراردادی کاپیتولاسیون به نحو بارزی چشمگیر است:

اولاً، اروپایی‌ها از رهگذر این گونه نظام قراردادی، برای خودشان یک جامعه حقوقی به کلی جدا از جامعه حقوقی محلی ایجاد کردند؛ جامعه‌ای که در واقع، تحت حاکمیت مقامات کشوری آنها بود و بدین وسیله قلمرو حاکمیت داخلی کشور متبوعشان را به داخل سرزمین یک کشور خارجی توسعه و تسری می‌دادند.

ثانیاً، نظام قراردادی کاپیتولاسیون بر پایه عمل متقابل استوار نبود. در این نظام، به اروپاییان امتیازات متعددی در سرزمین‌های غیراروپایی داده می‌شد، بدون آنکه در ازای آن کم‌ترین امتیازی به غیراروپاییان داده شود. عدم تساوی آشکاری که نظام کاپیتولاسیون بر آن استوار بود، نشان دهنده چگونگی روابطی بود که بین کشورهای اروپایی و دنیای خارج وجود داشت.

ثالثاً، لااقل در قرن هجدهم و در ابتدای قرن نوزدهم، بعضی از کشورهای غیراروپایی

تصور نمی‌کردند که کاپیتولاسیون نوعی دست‌اندازی به حاکمیت ملی آن‌ها محسوب می‌شود؛ به عنوان مثال، «اوتسوکا» حقوق‌دانان ژاپنی گفته است: «در آن دوران، مقامات ژاپنی، که دید روشنی از مسئله فراسرزمینی نداشتند، قوانین ملی ژاپن را چیز مقدسی می‌دانستند و بر این اعتقاد بودند که بیگانگان لیاقت استفاده از آن را ندارند»<sup>۳۳</sup> و الکساندر ویچ تأکید می‌کند که اعطای کاپیتولاسیون بر مبنای یک سنت کهن آسیایی استوار بود: «یک عرف قدیمی آسیایی به بازرگانان خارجی اجازه می‌داد که به جای گردن نهادن به قوانین و دادگاه‌های کشور میزبان یا پذیرش روش زندگی دیگر، طبق قانون شخصی خود زندگی کرده و خودشان بر خود حکومت کنند.»<sup>۳۴</sup>

تردید نیست که در واقع، حقوق غربی «فراسرزمینی» محدودیت‌های بسیاری را برای حاکمیت کشورهای غیراروپایی ایجاد کرده بود، به نحوی که بعدها، یعنی در اواخر قرن نوزدهم، کشورهای آسیایی طرف قرارداد کاپیتولاسیون، از جمله خود ژاپنی‌ها، این نوع قراردادها را نوعی تخطی و تجاوز آشکار به حاکمیت ملی خود تلقی نمودند. اما کشورهای دسته دوم طعمه خوبی برای قدرت‌های اروپایی بودند و به تدریج جزء قلمرو مستعمراتی آن‌ها شدند. در قرن هجدهم ابتدا فرانسه و سپس انگلستان مناطق وسیعی از هندوستان را مستعمره خود ساختند و بالأخره در اوایل قرن نوزدهم، این سرزمین به صورت یک مستعمره بریتانیا در آمد و اروپایی‌ها ضمن محکم کردن جای پای خود در آسیا، چشم طمع به سوی آفریقا دوختند. بدین ترتیب، آفریقا بین انگلستان، فرانسه، پرتغال، بلژیک، آلمان و ایتالیا تقسیم شد و آسیا بین انگلستان، فرانسه، هلند و امریکا (کشور اخیر به موجب معاهده صلح پاریس (۱۸۹۸ م) قدرت را در فیلیپین از دست اسپانیا گرفته بود).

به قول پروفیسور «آنتونیو کاسسه» در این دوران، «حقوق بین‌الملل (اروپایی) به صورت زرادخانه‌ای از قواعد و مقررات حقوقی، به قدرت‌های بزرگ اجازه می‌داد تا تملک سرزمین‌ها را بدون درگیری و به سهولت انجام دهند.» به نظر ایشان: اولاً، حقوق بین‌الملل به کشورهای استعمارگر اجازه می‌داد تا با تنزل سرزمین‌های مذکور در حد سرزمین‌های بلا معارض و بلا صاحب (Terrae nullius)، و با محروم کردن جوامع

بومی یا حکومت‌های محلی از داراشدن هرگونه ساختار و (شخصیت) حقوقی بین‌المللی، حاکمیت خود را بر این سرزمین‌ها مستقر سازند و ثانیاً، اگر مقامات حاکمه محلی در برابر چنین تملک استعماری تسلیم نمی‌شدند، حقوق بین‌الملل دو راه حل ارائه می‌کرد: یا جنگ یا انعقاد معاهده.<sup>۳۵</sup> در واقع کشورهای بزرگ عرصه را بر کشورهای ضعیف تنگ می‌ساختند و نظرشان را بر آنان تحمیل می‌کردند و در بعضی از موارد تا آن جا گستاخی می‌نمودند که اصلاً وجود چنان کشورهایی را نادیده می‌گرفتند و بدون حضور یا اطلاع آنان، درباره آن‌ها به تصمیم‌گیری می‌پرداختند. دولت‌های بزرگ آن زمان مانند امروز برای خود اقتداری به وجود آورده بودند که در تعیین سرنوشت کشورهای دیگر تأثیر بسیار داشت.

در این دوران، در واقع، معاهدات زیادی بین کشورهای اروپایی و بعضی از فرمانروایان و حکام محلی منعقد شد که بدیهی است برابری متقابل در آن‌ها رعایت نشده (معاهدات نابرابر) و تحمیلی بوده است. از میان تعداد بی‌شمار معاهدات تحمیلی، به عنوان مثال، به ذکر معاهده ۱۸۴۱ م بین انگلستان و فرمانروای کارتبار (Cartabar)، معاهده ۱۸۴۷ م بین انگلستان و فرمانروای رواله (Rowallah) و معاهده ۱۸۸۴ م بین فرانسه و سلطان تاجوراه (Tajurah) اکتفا می‌شود.

از میان معاهدات چندجانبه بین کشورهای اروپایی، بالأخره معاهدات کنگره ۱۸۱۵ م و بعد را باید نقطه عطفی در ایجاد تعهدات بین‌المللی و سرآغازی برای دوران جدید، در روابط قراردادی بین‌المللی دانست که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ب - معاهدات بین‌المللی از کنگره ۱۸۱۵ وین تا جنگ جهانی اول ۱۹۱۴

توسعه قابل توجه «حقوق عهدنامه‌ای» که از کنگره وین به بعد نمایان می‌شود، گویای مشخصات بارز این دوره است. چنین تحول و توسعه، کاملاً منطبق با ساختار فردگرایانه (یا مجردگونه) روابط بین‌المللی زمانه بوده و در نتیجه، معاهدات که منعکس کننده اراده صریح کشورها است، ابزار مناسب توسعه روابط بین آن‌ها می‌شود.

از این زمان به بعد است که به تدریج گونه‌های جدیدی از معاهدات به نحو فزاینده پا به عرصه حیات می‌گذارد و این‌گونه معاهدات هم از حیث شکل و هم از حیث محتوا با

آنچه تاکنون شناخته شده بود، متفاوت است. به ادعای آقای مانفرد لاکس، «از کنگره وین تا سال ۱۹۲۴ حدود ۱۶۰۰ معاهده و بین سال‌های ۱۸۶۴ تا ۱۹۱۹، ۲۵۷ معاهده چندجانبه منعقد گردیده است»<sup>۳۶</sup> که تعدادی از آنها کم و بیش منعکس کننده منویات سیاسی - حقوقی «قدرت‌های بزرگ»<sup>۳۷</sup> است. تعدادی دارای ابعاد اقتصادی - فرهنگی است و بالأخره، بخشی از آنها هم دارای جنبه حمایتی از حقوق انسانی است.

از جمع معاهدات دسته اول، هر چند برخی از آنها دارای ابعاد عالی سیاسی مورد نظر «قدرت‌های بزرگ» بوده است، ولی معاهداتی نیز وجود داشته که متضمن وضعیت‌های حقوقی و در نتیجه موجد قواعد حقوقی بوده است. معاهدات دسته دوم هر چند به کلی فاقد جهات سیاسی نبوده ولی اساساً متضمن حقوق انسانی بوده است. از معاهدات دسته اول به عنوان مثال می‌توان به معاهدات زیر اشاره کرد: اعلامیه مورخ ۲۰ نوامبر ۱۸۱۵ مربوط به بی‌طرفی دائمی سوئیس و آیین‌نامه ترتیب و تقدم سفرا و نمایندگان سیاسی، اسناد کنفرانس ۱۸۳۱ لندن راجع به تأسیس بی‌طرفی دائمی بلژیک، اعلامیه ۱۸۵۶ کنگره پاریس مربوط به حقوق دریایی، اعلامیه ۱۸۸۵ کنفرانس برلین ناظر به شرایط اشغال سواحل قاره افریقا، عهدنامه‌های متوالی سال‌های ۱۸۴۱، ۱۸۵۶، ۱۸۷۱ و ۱۸۷۷ درباره رژیم حقوقی تنگه‌های کشور ترکیه و دریای سیاه، عهدنامه سال ۱۸۵۷ راجع به رژیم حقوقی تنگه‌های بالتیک و بالأخره عهدنامه‌های ۱۸۵۰ و ۱۹۰۱ راجع به کانال پاناما و عهدنامه سال ۱۸۸۸ راجع به کانال سوئز.

از معاهدات چندجانبه دسته دوم که عمدتاً ناظر به تجارت بین‌المللی است می‌توان به سند نهایی کنگره ۱۸۱۵ وین ناظر به کشتی‌رانی بر روی رودخانه‌های بین‌المللی که به صورت منشور اساسی حقوق بین‌الملل رودخانه‌ای قلمداد شده است، اشاره کرد و در جهت به اجرا درآمدن و توسعه اصول پیش‌بینی شده در سند نهایی کنگره وین، قراردادهای ۱۸۳۱ و ۱۸۶۸ درباره رودخانه راین و قرارداد ۱۸۲۱ ناظر به رودخانه الب، قرارداد ۱۸۳۹ راجع به رودخانه اسکات، قراردادهای ۱۸۵۶، ۱۸۷۸ و ۱۸۸۳ راجع به رودخانه دانوب و نیز مقررات قرارداد عمومی کنفرانس ۱۸۸۵ برلین راجع به کشتی‌رانی بر روی رودخانه کنگو قابل ذکر است.



هم چنین می توان به عهدنامه های فراوان دیگری که معروف به «اتحادیه های بین المللی» هستند و در نیمه دوم قرن نوزدهم انعقاد یافته اند، اشاره کرد، از جمله: قرارداد ۱۸۷۴ و ۱۸۷۸ برن راجع به تأسیس اتحادیه پستی جهان، قراردادهای پاریس و وین ۱۸۶۴ و ۱۸۶۸ راجع به تأسیس اتحادیه تلگرافی جهانی و قراردادهای ۱۸۸۳ پاریس و ۱۸۸۶ برن راجع به تأسیس سازمان مالکیت های معنوی و صنعتی که در واقع این گونه عهدنامه ها نقش به سزایی در ایجاد «حقوق اداری بین المللی» داشته اند.

بالاخره دسته سوم، عهدنامه های زیادی است راجع به حمایت بین المللی از حقوق انسانی که می توان از مقررات عهدنامه ۱۸۱۵ وین راجع به الغای رژیم برده داری و هم چنین مقررات ضد برده داری، کنفرانس مورخ ۲ ژوئیه ۱۸۹۰ بروکسل و نیز کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو راجع به رفتار با مجروحین و بیماران زمان جنگ نام برد. در اثر پیشرفت علم و فن آوری و پیدایش نیازمندی های جدید، نسل های جدیدی از معاهدات بین المللی پا به عرصه حیات گذاشت که تا این زمان هیچ گاه سابقه نداشته است.

به علاوه، در پایان این دوران باید اشاره مختصر و سریعی هم به حاصل کار کنفرانس های صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ کرد که در آن مجموعاً پانزده معاهده مهم بین المللی تدوین گردیده است.

به هر حال، تخمین زده می شود که در فاصله سال های ۱۶۴۸ - ۱۹۱۹ یعنی از معاهدات وستفالی تا معاهدات صلح پاریس، ۲۵۷ معاهده چندجانبه مهم منعقد شده است.

در این جا ذکر چند نکته پیرامون این دوره درخور اهمیت است:

یکی این که، در واقع از آغاز همین مقطع تاریخی است که در اثر پیشرفت علم و فن آوری و بسط دامنه ارتباطات بین کشورها، لزوم همکاری در سطح وسیع تر احساس و زمینه های آن فراهم گردیده است و نمود عینی آن، پیدایش «معاهدات چندجانبه» و «عام بین المللی» است که خود تحولی اساسی و بی سابقه به حساب می آید.

به علاوه، برگزاری اجتماعات وسیع، هرچند کم و بیش بعد از کنگره وستفالی در

سال ۱۶۴۸ آغاز گردیده بود، ولی از این دوران به بعد است که هم از کثرت و هم از انسجام بیش‌تری برخوردار شده است و به دنبال همین تحول، تغییرات عمده‌ای در آیین عقد معاهدات به وجود آمد و با عطف توجه به مسائل مربوط به بهداشت عمومی، ارتباطات، امنیت دریاها، حمایت از مالکیت ادبی و هنری و علمی، ایجاد اوزان و مقادیر واحد، حمایت از افراد بشر و... تحت عنوان «دفاع از منافع مشترک نوع بشر»، به عقد معاهدات چندجانبه همت گماشته شد.

بدین ترتیب با ظهور مسائل جدید گسترش منافع مشترک، معاهدات چندجانبه به وجود آمد که از آن زمان تا به حال به موازات تحولات تاریخی زمان، رشد و توسعه یافته است و به قول آقای لیانگ (Liang) «از نیمه دوم قرن نوزدهم مرحله (فاز) جدیدی شروع شده و از ۱۸۶۴ - ۱۹۱۴ بیش از صد کنفرانس و کنگره بین‌المللی برگزار و بیش از ۲۵۰ سند مهم بین‌المللی تنظیم گردیده است.»<sup>۳۸</sup>

در واقع همین موج اول برگزاری کنگره و کنفرانس‌های بین‌المللی است که از یک طرف بستر مناسبی برای ایجاد «اتحادیه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی» می‌گردد و از طرف دیگر، این تحول، زمینه‌ساز «قدرت معاهده‌سازی» و ایجاد «معاهدات در حکم قانون»<sup>۳۹</sup> به معنای جدید آن می‌شود؛ خصوصاً سازمان‌های بین‌المللی که نوع تحول یافته کنگره‌ها و کنفرانس‌ها هستند و هر یک با معاهده‌ای چندجانبه یعنی میثاقی بنیادین پا به عرصه وجود گذاشته‌اند، با استفاده از اختیارات وسیع و شخصیت حقوقی مستقل خود، در گسترش این جنبش عهدنامه‌ای، بیش از دولت‌ها همت به خرج داده‌اند، زیرا هر یک از آن‌ها با بهره‌گرفتن از فنون و روش‌های خاص حقوقی، اشکال جدیدی از معاهدات بین‌المللی را ترسیم نموده‌اند که با ضرورت‌های اجتماعی معاصر سازگاری بیش‌تر داشته و کار نظارت بر معاهدات را آسان‌تر ساخته است.

بالأخره نکته دیگر و قابل اهمیت این است که از این دوران به بعد است که «جامعه بین‌المللی» از آن حالت «دایره بسته»<sup>۴۰</sup> اروپاییان و کم‌محتوا به در آمده و کم‌کم بروی سایر کشورها گسترده می‌شود. به تدریج ایالات متحده امریکا و بعد تعدادی از کشورهای آسیایی مانند ترکیه، ایران، چین، ژاپن و سیام و سپس کشورهای امریکای

لاتین وارد مجموعه بین‌المللی می‌شوند و می‌توان گفت از این زمان به بعد است که به تدریج مقدمات ایجاد «جامعه بین‌المللی کامل‌تر» و حقوق بین‌الملل جدید فراهم می‌گردد؛ امری که در گذشته چنین مقتضیاتی را نداشت.

نتیجه‌ای که از این اشاره مختصر می‌توان گرفت این است که عامل عمده تحول و توسعه پدیده معاهده، عقد پیمان‌های چندجانبه و وجود اتحادیه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بوده است که در رشد و تقویت همبستگی میان کشورها تأثیر به‌سزایی داشته‌اند.

### ج - معاهدات بین‌المللی بین دو جنگ جهانی (۱۹۱۴-۱۹۴۵)

بعد از جنگ جهانی اول، در روش و محتوای معاهده‌سازی بین‌المللی تغییراتی اساسی به عمل آمد. هر چند در این مقطع، عهدنامه‌هایی مانند پروتکل ۱۹۲۵ ژنورا جمع به منع استعمال گازهای خفه‌کننده و مسموم در زمان جنگ و یا مقررات مربوط به جنگ زیردریایی مندرج در عهدنامه تسلیحات بحری ۱۹۳۰ لندن و غیره گهگاهی به چشم می‌خورد، ولی تردیدی وجود ندارد که مرکز اصلی توجهات جامعه بین‌المللی معطوف به «حقوق صلح» است که با تأسیس جامعه ملل و پیروی از آن چنین مقصودی تحقق می‌یابد.

میثاق جامعه ملل، بدون این‌که بخواهیم در این جا وارد اغراض تأسیس و چگونگی سرنوشت آن بشویم<sup>۴۱</sup>، یک تحول اساسی در حیات معاهده‌سازی بین‌المللی به وجود آورده است. میثاق که به منزله قانون اساسی جامعه ملل بود، نظام دادگستری متمرکز بین‌المللی را پیش‌بینی نمود (ماده ۱۴) که بعداً در سال ۱۹۲۰ با آیین خاصی به تنظیم اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و تأسیس آن در سال ۱۹۹۲ منتهی شد. هم‌چنین، میثاق با پیش‌بینی مجمع و شورا، در جهت ایجاد نظام قانون‌گذاری و اجرایی البته نه چندان موفق، گامی دیگر در راستای تحول معاهده‌سازی بین‌المللی برداشت. به علاوه، نظام هماهنگی ایجاد شده بر اساس ماده ۲۴ بین جامعه ملل و کلیه نهادهای بین‌المللی موجود و آتی، هر چند بسیار کلی و نارسا بود، حداقل گامی در جهت توسعه قانون‌گذاری بین‌المللی بوده است.

تأسیس پنج کمیسیون مشورتی و دائمی از طرف جامعه ملل ناظر به: مسائل نظامی و تسلیحات بحری و هوانوردی نظامی، سرزمین‌های تحت نمایندگی، مواد مخدر، قاچاق تریاک، و مسائل اجتماعی و عمومی، موجب پیشرفت و توسعه در زمینه‌های مختلف گردیده است.

هم‌چنین نباید فراموش کرد که هم‌زمان با تأسیس جامعه ملل، «سازمان بین‌المللی کار» به وجود آمده و در حدود صلاحیت محدود و ویژه‌ای خود، به صورت یک نهاد قانون‌گذاری واقعی عمل کرده است<sup>۴۲</sup> که یکی از فعالیت‌های اصلی این سازمان بهبود شرایط کار از طریق توصیه طرح‌هایی به صورت مقابله‌نامه و یا از طریق وضع قطع‌نامه‌های توصیه‌ای بوده است.

راجع به مقابله‌نامه‌ها گفتنی است که کشورهای عضو مکلف بوده‌اند آن‌ها را به مراجع ذیصلاح ملی خود ارائه نمایند تا به صورت قوانین لازم‌الاجرای داخلی درآید. این روش که تا آن زمان سابقه نداشت و کاملاً ترتیبی نوین در روابط بین‌الملل محسوب می‌شد، به درستی نام «مجموعه قوانین بین‌المللی کار» را به خود گرفت.<sup>۴۳</sup>

فعالیت‌های قانون‌گذاری که بدینسان زیر نظر جامعه ملل آغاز شد، از تنوع بسیاری برخوردار است که احصای همه آن‌ها در این جا و تهیه طوماری از مجموعه کارهای انجام شده، کاری است بس دشوار. کافی است که بگوییم بین سال‌های ۱۹۴۶ - ۱۹۱۹ بیش از هفتصد قرارداد چندجانبه منعقد و اکثر آن‌ها حداقل بین تعدادی از اعضا لازم‌الاجرا شد. علاوه بر این‌ها، یکی از مهم‌ترین تحولاتی که به موجب بند اول اعلامیه چهارده ماده‌ای ویلسون (۸ ژانویه ۱۹۱۸) در زمینه معاهدات ایجاد شد، ثبت و انتشار معاهدات در دبیرخانه جامعه ملل بود که در راستای این امر دبیرخانه جامعه ملل در زمان حیات خود ۴/۸۳۴ سند بین‌المللی را که متن آن‌ها در ۲۰۵ جلد منتشر گردیده، به ثبت رسانیده است. موضوع این‌گونه معاهدات چندجانبه در زمینه‌های متنوع: حکمیت و امنیت، وحدت حقوق تجارت، حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی، اعتبارات کشاورزی، شرایط اتباع بیگانه، جعل و تقلب در پول، تشریفات گمرکی، صادرات پوست و چرم، تجارت گوشت، آمارهای اقتصادی، حمایت از نهنگ‌های دریایی، راه‌های ارتباطی

رودخانه‌ای، رژیم حقوقی بنادر، تعرفه‌های بین‌المللی راجع به اتومبیل، مهاجرت، توسعه انرژی برق، همکاری‌های ادبی، ممنوعیت برده‌داری، نشریات غیراخلاقی، ممنوعیت به کارگیری نامشروع زنان و کودکان و کمک به پناهندگان و... بوده است.<sup>۴۴</sup>

اما این تحول و توسعه نه تنها در بُعد کمی، بلکه در ابعاد کیفی و قدرت معاهده‌سازی هم چشمگیر بوده است. چنان‌که اشاره شد سازمان بین‌المللی کار، روش و ترتیب خاصی را برای ایجاد مقابله نامه‌های بین‌المللی کار اتخاذ نموده بود که سرمشق تعداد دیگری از سازمان‌های بین‌المللی گردید.<sup>۴۵</sup> اما این نمونه منحصر به فرد نبود و خود جامعه ملل هم در خصوص یکنواختی و مفهوم معاهده‌سازی، همه‌جہات مسئله را تا سرحد امکان مدنظر داشت و چنان‌که اشاره شد، جامعه ملل با واسطه مجمع که متشکل از نمایندگان کل کشورهای عضو بود، توانست طرح چند معاهده را به تصویب برساند که مثال بارز آن، پیمان عمومی داوری سال ۱۹۲۸ است.<sup>۴۶</sup> بر همین روال، سازمان اقتصادی و مالی که سازمانی وابسته به جامعه ملل بود، قراردادهای دوجانبه نمونه را وضع کرد. از همه مهم‌تر تلاش فوق‌العاده، جدی، کارشناسانه و ابتکاری کنفرانس تدوین حقوق بین‌الملل (۱۹۳۰ - ۱۹۲۷) لاهه است که زیر نظر جامعه ملل صورت پذیرفته بود. چنان‌که در ۱۹۲۴ کمیته‌ای را از کارشناسان تأسیس کرد<sup>۴۷</sup> و آن را مأمور تدوین مقررات حقوق بین‌الملل نمود. این کمیته صورتی از موضوعات قابل تدوین را به کشورهای پیشنهاد کرد و خواهان نظر آنها شد تا پس از بررسی، گزارش نهایی تهیه کند و به شورای جامعه ملل تسلیم نماید. آیین تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی و آیین انعقاد و نگارش معاهدات از جمله این موضوعات بود.<sup>۴۸</sup>

در مورد تدوین حقوق معاهدات به جز چند کشور علاقه‌مند، کشورهای بزرگ مثل آلمان، انگلستان، ژاپن و ایالات متحده آمریکا، از خود تمایل چندانی بروز ندادند (هر چند دانشگاه هاروارد که با دقت جریان کار را دنبال می‌کرد، مستقلاً طرحی جامع در این زمینه تهیه کرد و در آن زمان توجه بسیاری از کشورها را به خود جلب نمود). البته در قبال این طرح‌ها، به غیر از یک مورد (تابعیت)، این چند کشور علاقه‌مند نیز از طرح‌های کمیته استقبالی نکردند. علت آن بود که در چنان دورانی، وضعیت بحرانی جهان فرصت

تفکر را از همه کشورها سلب نموده بود.

بالاخره تحول دیگری که در حقوق معاهدات پدید آمد، شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی بود که با تکیه بر آن، سازمان‌های بین‌المللی توانستند خود مستقلاً طرف پیمان‌های بین‌المللی قرار گیرند که از نمونه بارز این‌گونه پیمان‌ها، قراردادهای مقرّبین جامعه ملل و سازمان بین‌المللی کار با کشور سوئیس است<sup>۴۹</sup> که زمینه را برای تحولات چشمگیر بعدی فراهم ساخت.

#### ۴) معاهدات بین‌المللی از سال ۱۹۴۵ تا کنون

دبیرخانه سازمان ملل متحد تا تاریخ ۳۰ مه ۱۹۸۷، ۳۳/۹۴۷ معاهده بین‌المللی را ثبت نموده است که با توجه به موضوعات آن‌ها ۱۹۵۷ معاهده، از نوع معاهدات همه‌جانبه و در بردارنده منافع عمومی مشترک بوده است.<sup>۵۰</sup> نیز تا پایان سال ۱۹۹۷ تعداد مجلّدهات مجموعه معاهدات ثبت شده در دبیرخانه سازمان ملل متحد، به ۱۵۰۰ جلد بالغ گردیده است<sup>۵۱</sup>. و با توجه به این‌که از سال ۱۹۷۵ به این طرف، سالیانه هشتصد معاهده در دبیرخانه سازمان ملل به ثبت می‌رسد<sup>۵۲</sup> ملاحظه می‌شود که تا پایان سال دوهزار میلادی، بیش از ۴۴۰۰۰ معاهده انعقاد می‌یابد که حدود دوهزار معاهده از آن، همه‌جانبه و جهان‌شمول می‌باشد. *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

این خیل عظیم اسناد و معاهدات که تقریباً تمامی عرصه‌های گوناگون و مهم روابط بین‌المللی را پوشش داده، مبین این واقعیت است که بعد از جنگ جهانی دوم، معاهدات به عنوان مهم‌ترین و مناسب‌ترین ابزار توسعه و قانونمندی روابط بین‌المللی گردیده است. لذا کافی است که در این جا به بعضی از مهم‌ترین دسته‌های این اسناد و معاهدات و نیز به مهم‌ترین عوامل این تحول و توسعه اشاره بشود.

#### الف - مهم‌ترین دسته‌های اسناد و معاهدات بین‌المللی از سال ۱۹۴۵ به بعد

۱- تأسیس سازمان‌های بین‌المللی: در رأس اسناد و معاهداتی که به منظور تأسیس سازمان‌های بین‌المللی تهیه شده‌اند، منشور ملل متحد قرار دارد که متضمن قواعد بنیادین روابط بین‌المللی است و از میان جدیدترین سند تأسیس، می‌توان به سند تأسیس

سازمان جهانی تجارت اشاره کرد که از سال ۱۹۹۵ کار خود را آغاز نمود. بر اساس آمارهای موجود، تا سال ۱۹۸۶ بیش از ۳۳۷ سازمان بین‌الدولی فعال (۳۲ سازمان جهانی، ۵۰ سازمان بین قاره‌ای، ۲۵۵ سازمان منطقه‌ای) و نیز بیش از ۴۵۰۰ سازمان غیردولتی وجود داشته است.<sup>۵۳</sup>

۲- روابط بین‌المللی: از میان مهم‌ترین اسناد و معاهدات در زمینه روابط بین‌المللی می‌توان به عهدنامه ۱۹۶۱ وین<sup>۵۴</sup> راجع به حقوق دیپلماتیک، عهدنامه سال ۱۹۶۳ راجع به حقوق کنسولی<sup>۵۵</sup>، عهدنامه ۱۹۶۹ وین راجع به مأموریت‌های ویژه<sup>۵۶</sup> و عهدنامه سال ۱۹۷۵ وین درباره نمایندگی دول در روابط خود با سازمان‌های بین‌المللی جهانی<sup>۵۷</sup> و غیره اشاره نمود.

۳- محدوده‌های بین‌المللی از قبیل دریا، هوا و فضا: مانند عهدنامه‌های چهارگانه ژنو راجع به حقوق دریاها (عهدنامه دریای سرزمینی و منطقه مجاور<sup>۵۸</sup>، عهدنامه دریای آزاد<sup>۵۹</sup> عهدنامه صید ماهی و محافظت از منابع جاندار دریایی<sup>۶۰</sup>، عهدنامه فلات قاره<sup>۶۱</sup> و عهدنامه سال ۱۹۸۲ حقوق دریاها<sup>۶۲</sup>، کنوانسیون شیکاگو سال ۱۹۴۴ راجع به حقوق هوایی و عهدنامه ۱۹۶۳ مسکو در مورد منع آزمایش‌های اتمی در فضا و عهدنامه سال ۱۹۶۷ در مورد فضا.

۴- جایگاه فرد در حقوق بین‌المللی: از سال ۱۹۴۵ تا سال ۱۹۹۵ در سطح جهانی و منطقه‌ای بیش از پنجاه سند و عهدنامه مهم در زمینه حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، تهیه و تنظیم گردیده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ و دو میثاق سیاسی - مدنی و اقتصادی اجتماعی در سال ۱۹۵۶ و نیز به اعلامیه بین‌کشورهای امریکایی در سال ۱۹۴۸ و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر در سال ۱۹۵۰ و بسیاری از اسناد و عهدنامه‌های مهم دیگر که در سال‌های اخیر تنظیم شده‌اند، اشاره نمود.<sup>۶۳</sup>

۵- حقوق بین‌المللی کیفری: در زمینه حقوق بین‌المللی کیفری اسناد بسیار مهمی تهیه گردیده و یا در دست تهیه است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری که در ژوئیه ۱۹۹۸ مورد پذیرش کشورها قرار گرفت و هم‌چنین به

مجموعه قوانین ناظر به جنایت بین‌المللی که سیر نهایی خود را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سپری می‌کند، اشاره نمود. این اسناد از جمله مهم‌ترین اسناد تاریخ بشری محسوب خواهند شد.

۶- مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها: یکی از مباحث بنیادین حقوق بین‌الملل عمومی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌باشد که در این زمینه دو طرح مهم در صحن کمیسیون حقوق بین‌الملل در دست تهیه است: یکی تحت عنوان مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در ۶۰ ماده و دو ضمیمه<sup>۶۴</sup> و دیگری تحت عنوان مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال قانونی خسارت‌زا.<sup>۶۵</sup>

۷- محیط زیست بین‌المللی: اسناد و معاهدات چندجانبه بی‌شماری قبل و بعد از صدور اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ تحت عنوان «محیط زیست بشری» هم در سطح جهانی و هم در سطوح منطقه‌ای تنظیم گردیده است که ذکر عناوین آن‌ها در این جا غیرممکن است.<sup>۶۶</sup> به قول پروفیسور شارل کیس: «امروزه بیش از سیصد معاهده چندجانبه و بیش از نهصد معاهده دوجانبه و نیز بیش از دویست سند صادره از سوی سازمان‌های بین‌الملل، ناظر به حفظ محیط زیست وجود دارد.»<sup>۶۷</sup> به عنوان نمونه می‌توان کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها (قسمت دوازدهم با ۴۶ ماده) که چهارچوب کلی ممنوعیت آلودگی دریاها را در بر دارد، کنوانسیون ۲۲ مارس ۱۹۸۵ که راجع به جلوگیری از عوامل زایل‌کننده «لایه اوزن» است و منشور جهانی طبیعت و سایر اسناد و کنوانسیون‌های کنفرانس ریو ۱۹۹۲ را نام برد.

۸- جانشینی کشورها: یکی از موضوعات مبتلابه در دهه اخیر مسئله جانشینی کشورها است که در این زمینه دو معاهده مهم تنظیم شده است: یکی تحت عنوان کنوانسیون سال ۱۹۷۸ وین راجع به جانشینی کشورها در خصوص معاهدات<sup>۶۸</sup> و دیگری به نام کنوانسیون سال ۱۹۸۳ وین راجع به جانشینی کشورها در باب اموال، آرشیو و قروض.<sup>۶۹</sup>

۹- کنترل تسلیحات: بعد از فاجعه جنگ جهانی دوم، معاهدات متعددی به منظور احتراز از وقوع یک جنگ اتمی خانمان برانداز، به صورت دوجانبه و چندجانبه منعقد



گردید. ۷۰ از میان معاهدات دوجانبه و محدود می‌توان به معاهدات سالت ۱۷۱ در سال ۱۹۷۲ و سالت ۲ در سال ۱۹۷۹ و استارت و نیز در سطح منطقه اروپا به معاهده اروپایی «آسمان باز» اشاره کرد و از میان معاهدات چندجانبه متعدد به معاهده ۱۹۶۳ مسکو راجع به منع آزمایش‌های اتمی، قرارداد ۱۹۶۸ در مورد منع گسترش سلاح‌های اتمی و کنوانسیون ۱۹۷۲ در خصوص منع به کارگیری سلاح‌های شیمیایی اشاره نمود.

۱۰- منابع حقوق بین‌الملل: در زمینه منابع حقوق بین‌الملل یا به عبارت رساتر در زمینه حقوق معاهدات که موضوع اصلی این نوشتار را تشکیل می‌دهند، دو معاهده بسیار مهم تنظیم گردیده است که در واقع به مثابه «حقوق اساسی معاهدات» است: یکی عهدنامه سال ۱۹۶۹ وین راجع به حقوق معاهدات دولت‌ها<sup>۷۲</sup> و دیگری عهدنامه سال ۱۹۶۸ وین درباره معاهدات بین کشورها و سازمان‌های بین‌المللی و یا سازمان‌های بین‌المللی فیما بین.<sup>۷۳</sup>

البته باید یادآوری نمود که مجموعه معاهدات منعقد شده بعد از جنگ جهانی دوم به بعد، فقط به دسته‌های یاد شده محدود نمی‌گردد و در زمینه‌های دیگری از قبیل: مباحث تجارت و اقتصاد بین‌الملل، حقوق جنگ، حقوق انسانی زمان جنگ و بسیاری از زمینه‌های دیگر اسناد و معاهداتی وجود دارد که برای رعایت اختصار به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

### ب - مهم‌ترین عوامل تحول و توسعه معاهدات بین‌المللی از ۱۹۴۵ به بعد

مهم‌ترین عوامل تحول و توسعه معاهدات در نیمه دوم قرن بیستم میلادی را می‌توان به شرح زیر خلاصه و بیان نمود:

۱- حفظ صلح و جلوگیری از تجاوز: بعد از جنگ جهانی دوم، یکی از مهم‌ترین اهداف پیش‌بینی شده در منشور سازمان ملل متحد، «حفظ صلح و امنیت جهانی» و «جلوگیری از تجاوز» است. وجود چنین اهداف حیاتی و نیز تلاش مستمر جامعه بین‌المللی در راه نیل بدان را می‌توان یکی از عوامل بسیار مؤثر در تحول و توسعه معاهدات در دنیای بعد از جنگ جهانی دوم دانست، زیرا به یمن وجود چنین اهدافی روابط مسالمت‌آمیز و جو همکاری بین دول و ملل به نحو بارزی افزایش یافته و موجب

انعقاد معاهدات در همه شئون جامعه بین‌المللی گردیده است.

۲- توسعه دامنه ارتباطات: بسط دامنه ارتباطات بر اثر پیشرفت علم و فن‌آوری بالاتر دید یکی از عوامل بسیار مؤثر در این تحول و توسعه می‌باشد. شاید بتوان ادعا نمود که بشر نیم‌الی یک قرن اخیر به اندازه تمامی قرون و اعصار گذشته، شاهد پیشرفت علم و فن‌آوری بوده است و از رهگذر چنین تحولاتی دامنه نیازمندی و ارتباط بین کشورها افزایش یافته و ناگزیر کشورها از طریق انعقاد معاهدات دوجانبه و چندجانبه خاص و همه‌جانبه، سعی در برطرف نمودن نیازهای متقابل خود داشته‌اند.

۳- تأسیس سازمان‌های بین‌المللی: در پنجاه سال گذشته با تأسیس انفجارگونه «سازمان‌های بین‌المللی» نقطه عطفی در تحول و توسعه معاهدات بین‌المللی ایجاد گردیده است، زیرا همان‌گونه که ملاحظه شد این‌گونه اشخاص بین‌المللی با احراز شخصیت حقوقی بین‌المللی از یک طرف و با ایجاد آیین و نظام خاص معاهده‌سازی از طرف دیگر، در جوار کشورها به تنظیم روابط بین‌المللی بین اعضا و حتی دول غیرعضو مبادرت نموده موجب شده‌اند تعداد بی‌شماری از معاهدات بین‌المللی به وجود آید.<sup>۷۴</sup>

۴- ارتباط روزافزون دولت‌ها و ملت‌ها: به هم پیوستگی فزاینده بین دولت‌ها و انبای بشر، یکی از علل اصلی توسعه مفهوم معاهدات بوده است؛<sup>۷۵</sup> یعنی معاهده مفهومی است که به تناسب میزان همبستگی بین دولت‌های مختلف، وحدت منافع کلی بین انبای بشر و تلاش افرادی در ایجاد فرهنگ و تمدن و افکار عمومی بین‌المللی، تحول، رشد و توسعه یافته است.

همبستگی بین دولت‌ها در روابط بین‌المللی اساساً از زمانی به وجود آمد که تغییر در مبانی قدرت و نفوذ هر یک، تعادل روابط ناشی از قدرت را در میان آنها بر هم زد، به همین جهت، برای آن‌ها که مبادا کشوری از لحاظ اقتصادی، سرزمینی و نظامی برتر از آنها شود و بتواند با تحمیل اراده‌اش بر دیگران به قدرتی جهانی مبدل گردد، میان آنها نوعی همبستگی فکری برای ایجاد تعادل در قدرت پدید آمد.

۵- ظهور واقعی‌تر جامعه بین‌المللی: با توجه به تحولات پدید آمده، از طریق معاهدات جامعه‌ای بین‌المللی از پا به عرصه حیات گذاشت که نسبت به گذشته نسبتاً

واقعی تر بود. البته در دوران گذشته، هر معاهده در صورت مجرد خود همانند پلی بوده است به سوی جامعه بین‌المللی میان تھی؛ یعنی جامعه‌ای به اصطلاح بین‌المللی که موجودیتی واقعی و نظمی سازمان یافته به معنای امروزی نداشت، اما با گذشت زمان، معاهدات آن خلأ را پر کردند و جامعه بین‌المللی واقعی‌تری را به وجود آوردند و در نهایت هویت و اعتبار حقوقی خود را نیز از آن گرفتند تا آن‌جا که می‌توان گفت از جنبش کشورهایی که ابتدا از هم می‌گریختند و هیچ‌گونه رابطه‌ای میان آن‌ها متصور نبود، جامعه‌ای بین‌المللی پا به عرصه حیات گذاشت که در اثر کوشش اعضایش به تدریج در راه توسعه گام برمی‌دارد و می‌رود که به صورت یک واقعیت غیرقابل انکار، واجد حقوق و تکالیف و صاحب شخصیتی معاهده‌ساز درآید.<sup>۷۶</sup>

## دوم: بررسی تلاش‌های انجام شده برای قانونمندی حقوق معاهدات

همان‌طور که ملاحظه شد، معاهدات کم و بیش در ادوار مختلف تاریخی وجود داشته، اما جامعه بین‌المللی از قانونمندی متحدالشکل و بهینه درباره معاهدات محروم بوده است که منشأ بروز بسیاری از اختلاف بین دول می‌گردید.

اولین تلاش در این زمینه در سطح جهانی، در زمان حیات جامعه ملل سابق صورت گرفت که به شکست انجامید. پس از پایان جنگ جهانی دوم، تلاش مجدد آغاز شد. اولین قدم‌ها، در کنفرانس سانفرانسیسکو هنگام تنظیم منشور ملل متحد برداشته شد. دومین گام، ایجاد کمیسیون حقوق بین‌الملل و تلاش‌های خستگی‌ناپذیر در صحن آن است و بالاخره گام‌های نهایی در کنفرانس سال ۱۹۶۹ وین برداشته شد. هر یک از این مجموعه تلاش‌ها در بخش جداگانه‌ای به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### (۱) کنفرانس سانفرانسیسکو و تلاش در جهت قانونمندی معاهدات

در اولین همایش‌های دیمبارتن اوکس، هم و غم اساسی قدرت‌های مشارکت‌کننده یعنی آمریکا، انگلیس و اتحاد جماهیر شوروی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده است

نه اندیشه عدالت و حقوق بین‌الملل مطرح نبود. اما در همایش بعدی با پیشنهاد نماینده چین، این اصل مطرح و با اصلاحاتی به صورت دو پیشنهاد زیر صورت تحقق به خود گرفت: یک، حل و فصل اختلافات باید با رعایت اصول عدالت و حقوق بین‌الملل عملی گردد و دو، مجمع مأموریت خواهد داشت تا تحقیقات لازم را به منظور توسعه و تجدید نظر در قواعد و اصول موجود حقوق بین‌الملل را توصیه نماید. این پیشنهاد همراه سایر اصول و پیشنهادات قدرت‌های چهاگانه (امریکا، انگلیس، شوروی و چین) از همایش‌های دهمبارتن اوکس به همایش سانفرانسیسکو ارائه گردید.<sup>۷۷</sup> در خلال مدت برگزاری اجلاس دهمبارتن اوکس تا شروع همایش سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵، اصول و پیشنهادات مذکور مورد بررسی‌های کارشناسانه قرار گرفت و بالأخره بر اندراج پیشنهادات حقوقی در منشور سازمان جهانی آینده توافق شد و در نتیجه در منشور ملل متحد، به اصول عدالت و حقوق بین‌الملل و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن تصریح گردید.<sup>۷۸</sup>

### الف - محتوای منشور درباره حقوق بین‌الملل و امر تدوین و توسعه

در مقدمه منشور چنین آمده است که ما «مردم ملل متحد با تصمیم به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌الملل»، سازمان ملل را ایجاد می‌نماییم، سپس به موجب ماده ۱۳، منشور ملل متحد ابتکار انجام تحقیقات و صدور توصیه به منظور تشویق توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن را به مجمع عمومی محول نموده است.

لذا در راستای تحقق مفاد این ماده موافقت شد که مجمع عمومی در باب تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل اقداماتی شایسته به عمل آورد. مجمع عمومی برای تحقق بخشیدن به این رسالت به برگزاری کنفرانس‌های تخصصی تدوینی، ایجاد نهادهای لازم مانند کمیسیون حقوق بین‌الملل، کمیسیون حقوق بشر، کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل، کمیته‌ها و کنفرانس‌های ویژه اقدام نمود. در بین همه این‌ها، کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان نهاد تدوینی سازمان ملل متحد، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است که ما بر روی اقدامات آن راجع به تدوین حقوق معاهدات تأمل قابل ملاحظه‌ای

می‌نماییم ولی قبل از ورود به آن، اقدامات مقدماتی را برای تهیه ماده ۱۳، بند ۱ حرف "الف" منشور در کنفرانس سانفرانسیسکو، به طور کوتاه مرور می‌کنیم.

### ب- کارهای مقدماتی مربوط به تهیه ماده ۱۳، بند ۱ حرف الف منشور

نمایندگان کشورهای حاضر در کنفرانس سانفرانسیسکو، که نمی‌خواستند سازمان جدید مثل جامعه ملل سابق با انباشتن انبوهی از کارها و اقدامات، تلاش‌هایشان نافرجام بماند، مطالعات بسیار دقیقی را در خصوص تهیه ماده ۱۳، بند یک، حرف الف، به منظور توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل، به عمل آوردند و معتقد بودند با اختیاراتی که به سازمان جدید می‌دهند، این سازمان خواهد توانست به نحو شایسته‌ای مطالعه لازم را جهت توسعه تدریجی و تدوین حقوق بین‌الملل به سرانجام برساند.

در همین راستا یکی از هیئت‌های نمایندگی پیشنهاد کرد که امر تدوین حقوق بین‌الملل جزء یکی از اهداف سازمان ملل متحد قرار گیرد،<sup>۷۹</sup> اما کمیته دوم کمیسیون دوم<sup>۸۰</sup> این پیشنهاد را نپذیرفت و به صورت یکی از اختیارات و نقش‌های مجمع عمومی در دستور کار قرار گرفت. کمیته مزبور در جریان همین جلسه، موضوع را بررسی و به صورت سؤالات زیر پیشنهاد نمود که:

۱- آیا مجمع عمومی حق دارد مطالعاتی را به عمل آورده و به منظور تدوین حقوق بین‌الملل آن‌ها را توصیه نماید؟ (تصمیم: ۲۷ رأی موافق، ۸ رأی مخالف؛ سؤال اول پذیرفته شد)؛

۲- آیا مجمع عمومی حق دارد مطالعاتی را به منظور کمک به تجدیدنظر قواعد و اصول حقوق بین‌الملل به عمل آورد و آن‌ها را توصیه نماید؟ (تصمیم: ۱۶ رأی موافق، ۸ رأی مخالف؛ سؤال دوم پذیرفته شد)؛

۳- آیا مجمع عمومی حق امضای قواعد حقوق بین‌الملل را که از طرف شورای امنیت مورد تصویب قرار گرفته و برای اعضا حالت الزامی یافته است، دارد؟ (تصمیم: یک رأی موافق، ۲۶ رأی مخالف؛ سؤال سوم رد شد).<sup>۸۱</sup>

متعاقباً، دو تصمیم مثبت، جهت انشای آن به سوکمیته «ب» از کمیته دوم کمیسیون دوم ارجاع شد. در جریان هفتمین جلسه این سوکمیته، اختلاف نظرهایی بروز کرد مبنی

بر این که آیا واژه «توسعه» مفهوم «تجدید نظر» را هم در بر می گیرد؟ و از آن جا که توافقی بین اعضا حاصل نشد، سو کمیته مذکور به کمیته دوم از کمیسیون دوم پیشنهاد کرد که یکی از دو متن پیشنهادی زیر را بپذیرد:

الف - ... تدوین حقوق بین الملل به منظور تشویق، توسعه و کمک به تجدید نظر آن؛

ب - ... کمک به توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن.

در بیست و یکمین جلسه کمیته دوم وقتی موضوع مطرح گردید، طرفداران پیشنهادی فوق از دیدگاه های خود دفاع کردند. طرفداران پیشنهاد «الف» معتقد بودند که برای احتراز غیر قابل انعطاف بودن واژه «تدوین» باید واژه «تجدید نظر» افزوده شود. در حالی که طرفداران پیشنهاد «ب» می گفتند که عبارت «توسعه تدریجی» در کنار «تدوین» هم مبین تدوین و هم مبین افزایش قواعد موجود است.

نهایتاً، کمیته دوم از کمیسیون دوم اظهار می دارد که عبارت «توسعه تدریجی» «تعادل عادلانه ای را بین ثبات و تغییر» برقرار می کند و در نتیجه، وقتی رئیس جلسه این مسئله را به رأی گذاشت، متن پیشنهادی با عبارت «توسعه تدریجی» با بیست رأی مورد تصویب قرار گرفت و بعداً وارد منشور گردید.<sup>۸۲</sup>

از این مختصری که گذشت به خوبی استنباط می شود که قصد تنظیم کنندگان ماده ۱۳، بند ۱ حرف «الف» منشور این بوده است که وظیفه مجمع عمومی نه تنها «تدوین» حقوق بین الملل است، بلکه «توسعه تدریجی حقوق بین الملل» به احسن وجه هم از وظایف اوست.

## ۲) کمیسیون حقوق بین الملل و تدوین حقوق معاهدات

کمیسیون حقوق بین الملل پس از تأسیس<sup>۸۳</sup> در سال ۱۹۴۷، از همان شروع اولین جلسه خود در ۱۲ آوریل ۱۹۴۹، به موجب ماده حرف «الف» بند ۱ ماده ۱۳ منشور ملل متحد، مأمور به حرکت درآوردن و توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن توسط مجمع عمومی بود و تا سال ۱۹۶۶ مسئله «تدوین حقوق معاهدات» را در صدر عناوین تدوینی<sup>۸۴</sup> خود داشت. در خلال این مدت، کمیسیون برای تهیه طرح کنوانسیون وین

درباره حقوق معاهدات ۲۸۹ جلسه وقت صرف نمود.<sup>۸۵</sup> در این سال، کمیسیون با ارائه پیش نویس طرح معاهدات به مجمع عمومی همراه با یک پیشنهاد رسمی بر اساس حرف «د» بند اول ماده ۲۳ اساسنامه اش مبنی بر ضرورت تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار دول که به «کنفرانس ملل متحد راجع به حقوق معاهدات» اشتهار یافته، جهت مطالعه آن مواد و انعقاد یک عهدنامه در ارتباط با موضوع، کار خود را تکمیل نمود.<sup>۸۶</sup> این پی‌گیری مجدانه مسبوق به یک سلسله مباحثات و گزارش‌های طولانی گزارشگران ویژه<sup>۸۷</sup> و جلسات پراکنده راجع به موضوع<sup>۸۸</sup> می‌باشد. به علاوه مجمع عمومی و دبیرخانه سازمان ملل با تهیه بسیاری از اسناد و مدارک ضروری نیز وقت زیادی را صرف تدوین حقوق معاهدات نموده است. اقدامات انجام شده در صحن کمیسیون حقوق بین‌الملل را می‌توان در دو مرحله مختلف مورد بررسی و ارزیابی مختصر قرار داد: یکی قبل از سال ۱۹۶۱ و دیگری بعد از آن.

### الف - مهم‌ترین اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل قبل از سال ۱۹۶۱

در این دوره کمیسیون سه گزارشگر ویژه یعنی آقایان برابری، لوتر پاخت و فیتز موریس را منصوب کرد که آن‌ها نیز گزارش‌های مختلف خود را ارائه نمودند. اما به دلیل شرایط مختلف زمان، موفق نشدند مأموریت خود را به پایان برسانند. مجموع گزارش‌های ارائه شده به ده گزارش بالغ گردید. این گزارش‌ها از نظر فنّ حقوقی بسیار مفید و حاوی اطلاعات علمی بسیار بوده است. ولی از آن‌جاکه کمیسیون حقوق بین‌الملل اولویت را به مباحث دیگر از جمله حقوق دریاها و حقوق دیپلماتیک و کنسولی داده بود، به بحث و بررسی همه جانبه این گزارش‌ها موفق نشد.<sup>۸۹</sup>

از جمله نکات بحث برانگیز و قابل توجه از این دوره یکی بحث رزرو یا حق شرط بود که به دلیل همزمانی با تصویب کنوانسیون منع کشتار دسته جمعی سال ۱۹۴۸ و اعمال حق شرط از سوی برخی از کشورها و نیز طرح مسئله به صورت اظهار نظر مشورتی نزد دیوان دادگستری بین‌المللی، بر اساس تقاضای دبیر کل سازمان ملل از کمیسیون<sup>۹۰</sup>، آقای برابری گزارش ویژه‌ای را به این امر اختصاص داد<sup>۹۱</sup> و همان‌طور که

بعداً خواهیم دید به صورت مواد ۱۹ تا ۲۳ کنوانسیون وین درآمد.

موضوع بحث برانگیز قابل توجه دیگر این بود که کمیسیون حقوق بین‌الملل در نهایت چه سندی را باید برای حقوق معاهدات بین‌المللی تهیه نماید؟ آقای فیتز موریس در گزارش اول خود در سال ۱۹۵۶ روش جدیدی را جهت قانونمندی معاهدات ارائه کرد و بیش‌تر بر اساس تمایل خود، تهیه مجموعه قواعد (کُد) غیر الزامی را برای کشورها مناسب دانست.<sup>۹۲</sup> شخصیت‌های دیگری همچون برابری، هِرست (Hurst)، الوارز و مگ‌نرهم همانند او معتقد به تهیه (Restatement) معتقد بودند که ماهیتاً عاری از هرگونه الزام حقوقی است.<sup>۹۳</sup> برخی دیگر، معتقد به تنظیم حقوق معاهدات از طریق یک عهدنامه با پشتوانه الزام حقوقی بودند.<sup>۹۴</sup>

#### ب - مهم‌ترین اقدامات کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۶۲-۱۹۶۶

کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۶۱ آقای هامفری والداک را به عنوان چهارمین گزارشگر منصوب کرد. وی در فاصله بین سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۶۶، هفت گزارش ارائه نمود. یکی از نکات قابل توجه این بود که در اولین گزارش از وی خواسته شد تا روش مجموعه قواعد (کُد) را کنار گذاشته و از روش «طرح عهدنامه‌ای» برای تدوین حقوق معاهدات استفاده نماید. به زعم پروفیسور آگو<sup>۹۵</sup>، دلیل اتخاذ چنین موضعی در صحن کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیته ششم مجمع عمومی این بوده است که جامعه بین‌المللی در این مقطع زمانی در آستانه یک تحول اساسی قرار گرفته بود و آن به استقلال رسیدن خیل عظیمی از کشورهای قاره آفریقا و آسیا بود. این کشورها بسیاری از قواعد به یادگار مانده از دهه‌های گذشته را که یادگار تلخ زمان استعمار بود قبول نداشتند، لذا اصول و قواعدی مورد پذیرش قرار گیرد که مورد تأیید و قبول آن‌ها هم باشد و این مقصود از طریق تدوین یک عهدنامه که با استقلال و خواست کشورهای مستقل سنخیت بیش‌تری دارد، میسر می‌شد.

در مقابل چنین واقعیتی کمیسیون ناچار به تغییر روش (مُتد) شد. با اتخاذ این روش، آقای والداک موفق شد پس از ارائه گزارش‌ها و طرح پیش‌نویس مواد و اعمال نظریات رسمی کشورها و جرح و تعدیل مکرر، آن بالأخره، طرح نهایی پیش‌نویس کنوانسیون



وین را در ۷۵ ماده در سال ۱۹۶۶ تهیه نماید و سپس کمیسیون آن را همراه یک پیشنهاد رسمی بر اساس حرف «د» بند اول ماده ۲۳ اساسنامه مبنی بر ضرورت تشکیل یک کنفرانس دیپلماتیک متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار، به مجمع عمومی تقدیم بدارد.<sup>۹۶</sup> کمیته ششم مجمع عمومی در اجلاس همان سال و نیز سال بعد، به طور کلی طرح پیشنهادی را بررسی و تصویب کرد و آن را به عنوان اساس بحث، جهت اظهار نظر نهایی به کنفرانس دیپلماتیک متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار کشورها، ارجاع نمود. به زعم اکثریت هیئت نمایندگی‌های حاضر در کمیته ششم، طرح پیشنهادی مجموعه‌ای بود از قواعد موجود (Lex Lata) و قواعد در حال شکل‌گیری (Lex Ferenda) بخش پنجم طرح راجع به بی‌اعتباری، فسخ و تعلیق اجرای معاهدات، بیش از سایر بخش‌ها جلب توجه نموده بود. در نهایت مجمع عمومی تصمیم گرفت که کنفرانس دیپلماتیک در دو اجلاس به بررسی طرح پیشنهادی پردازد.

### ۳) کنفرانس ۱۹۶۸ - ۱۹۶۹ وین و تدوین حقوق معاهدات

همان‌طور که پیش‌بینی شده بود کنفرانس وین راجع به تدوین حقوق معاهدات در دو اجلاس یکی از تاریخ: ۲۶ مارس الی ۲۴ مه ۱۹۶۸ و دیگری از ۹ آوریل الی ۲۲ مه ۱۹۶۹ برگزار شد.

#### الف - اجلاس ۱۹۶۸

در این اجلاس نمایندگان ۱۰۳ کشور به اضافه ناظران سیزده سازمان تخصصی مشارکت داشتند. در مجموع، ۱۱۵ کشور در دو اجلاس کنفرانس وین شرکت کرده بودند که توزیع جغرافیایی آن‌ها چنین بوده است: افریقا با ۳۱ کشور، امریکا با ۲۳ کشور، آسیا با ۲۶ کشور، اروپای شرقی با نه کشور، و اروپای غربی با ۲۴ کشور، استرالیا و زلاندنو هم با دو کشور. بیش از  $\frac{1}{3}$  کشورهای مشارکت‌کننده بعد از ۱۹۴۵ به استقلال رسیده بودند.<sup>۹۷</sup>

کنفرانس جلسات خود را بدین شرح سازمان‌دهی نمود: کمیته اصلی ۸۳ جلسه، کمیته پیش‌نویس ۴۵ جلسه و کمیته عمومی و کمیته اعتبارنامه‌ها هر کدام یک جلسه.<sup>۹۸</sup>

چهار نفر از شخصیت‌های مدیریتی و کلیدی از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل بودند و آقای هامفری والداک به عنوان مشاور متخصص در نظر گرفته شده بود. هیئت نمایندگی بسیاری از کشورها هم از همان اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل بودند.<sup>۹۹</sup>

کمیته اصلی، طرح پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل را به عنوان اساس و پایه بحث و بررسی‌های خود قرار داد. بیش از چهارصد اصلاحیه درباره مواد طرح ارائه شده بود. کمیته اصلی به ترتیب بررسی هر یک از مواد و اصلاحیه‌های پیشنهادی را آغاز کرد. بحث و گفت‌وگو توسط پیشنهاد دهنده اصلاحیه آغاز می‌شد و آقای والداک هم متقابلاً حسب مورد، راجع به مواد توضیحات لازم و نیز پاسخ مناسب را می‌داد.<sup>۱۰۰</sup>

اگر پیشنهاد اصلاحی راجع به ماهیت مواد می‌شد، برای پذیرش آن به رأی اکثریت ساده نیاز بود، و اگر راجع به جهات فنی تنظیم مواد بود، مستقیماً به کمیته پیش‌نویس مواد ارجاع می‌شد. بنابراین، اگر پیشنهاد اصلاحی راجع به ماهیت بود و رد می‌شد، به طور ضمنی بر قبول ماده طرح حمل می‌شد و اگر قبول می‌شد باز هم به طور ضمنی به معنای اصلاح ماده به حساب می‌آمد و اگر هیچ پیشنهاد اصلاحی راجع به ماده‌ای مطرح نمی‌شد، ماده طرح پذیرفته محسوب و به کمیته پیش‌نویس احاله می‌شد.<sup>۱۰۱</sup>

کار کمیته پیش‌نویس هم به طور منظم این بود که بر اساس آیین کنسانسوس مواد اصلاحی و مواد اصلی را به جهت اقدامات کمیته اصلی و پذیرش نهایی آن در کنفرانس آماده نماید. لذا مواد تنظیمی در کمیته پیش‌نویس مجدداً در کمیته اصلی مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. در نتیجه اگر در کمیته اصلی حمایت جدی و قاطع از متن صورت می‌گرفت، بدون رأی پذیرفته می‌شد و به این معنا بود که همان خلاصه گزارش میبین نظریات و شروط کشورها بوده است و گرنه، رأی‌گیری با اکثریت ساده برای پذیرش متن ضروری می‌نمود.

به عنوان نتیجه، کمیته اصلی در سال ۱۹۶۸ و در طول ۸۳ جلسه، ۶۹ ماده را تأیید و برای اخذ تصمیم نهایی به کنفرانس ارجاع نمود، ولی بررسی اعلامیه نهایی، مقدمه و ۱۱ ماده باقیمانده به اجلاس بعدی موکول شد.

همان‌طور که اشاره شد، در این اجلاس نمایندگان ۱۱۰ کشور و چهارده آژانس تخصصی و سازمان بین‌المللی در وین حضور داشتند. در قسمت اول این اجلاس، کمیته اصلی به مدت ۲۲ جلسه، مواد باقی‌مانده از طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل به اضافه پیشنهادات اصلاحی را که در اجلاس ۱۹۶۸ رسیدگی نگردیده بود، مورد رسیدگی قرار داد و در مجموع، کمیته به افزودن سیزده ماده موفق گردید و آن‌ها را جهت اظهارنظر نهایی به کنفرانس توصیه کرد.

در قسمت عمومی و پایانی اجلاس، کنفرانس مجدداً توسط کمیته اصلی به بررسی مواد تهیه شده پرداخت. هر ماده به رأی گذاشته شد و حد نصاب  $\frac{2}{3}$  رأی برای پذیرش هر ماده حتی اگر قبلاً هم به اتفاق آرا و با قدرت تصویب شده بود، ضروری بود. رأی منفی درباره هر ماده موجب حذف آن ماده از طرح نهایی می‌شد<sup>۱۰۲</sup> و بر عکس، اگر پیشنهادی اصلاحی مورد تأیید قرار می‌گرفت و یا اگر هنگام بحث و بررسی مشکل غیرماهوی (فنی) ملاحظه می‌شد، موضوع به کمیته پیش‌نویس، بنابر یک رأی تشریفاتی، برگشت داده می‌شد و در نهایت بر اساس کنسانسوس، توسط کنفرانس مورد پذیرش قرار می‌گرفت.<sup>۱۰۳</sup>

خاطر نشان می‌گردد که در کنفرانس سال ۱۹۶۹، ۱۱۰ کشور شرکت داشتند و ۸۵ ماده به تصویب نمایندگان دول رسید. از این تعداد مواد، بیش از  $\frac{2}{3}$  آن یعنی ۶۶ ماده با اکثریتی قاطع (با بیش از نود رأی) مورد تصویب قرار گرفت و ۳۷ ماده یعنی حدود نصف آن، به اتفاق آرا به تصویب رسید. پانزده ماده با آرائی بین هشتاد تا نود رأی و چهار ماده هم با اکثریتی کم‌تر از هشتاد رأی، به تصویب رسید.<sup>۱۰۴</sup>

### ج - بعضی از مباحث مورد اختلاف

ملاحظه شد که کنفرانس با فعالیت و سخت‌کوشی زیاد کار می‌کرد. تعدادی از مواد، جدلی و بحث‌انگیز نبودند و یا این‌که بحث و گفت‌وگو درباره آن‌ها محدود بود<sup>۱۰۵</sup> اما مواد دیگری وجود داشت که بحث‌های دامنه‌داری را برانگیخت. از جمله بحث‌های قابل توجه و دامنه‌دار، مباحثات پیرامون موضوعات ذیل بود:

۱- قلمرو معاهده (مواد ۱، ۳ و ۵ کنوانسیون)

- ۲- صلاحیت و قدرت معاهده‌سازی (ماده ۶)
  - ۳- تعهدات و الزامات مقدم بر مجرا شدن یک معاهده (ماده ۱۸).
  - ۴- حق شرط در مورد معاهدات چندجانبه (مواد ۱۹ - ۲۳)
  - ۵- تفسیر معاهدات (مواد ۳۱ - ۳۳)
  - ۶- اصلاح و جرح و تعدیل معاهدات (مواد ۳۹ - ۴۱) که در کنفرانس، ماده ۳۸ تهیه شده توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل مبنی بر تعدیل معاهدات به وسیله عمل متعاقب، حذف گردید (این تنها ماده از پیش‌نویس مواد تنظیمی توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل بود که کلاً رد شد).
  - ۷- بخش پنجم کنوانسیون وین درباره بی‌اعتباری، خاتمه و تعلیق اجرای معاهدات، مشخصاً پیش‌بینی‌های راجع به قاعده آمره (مواد ۵۳ و ۶۴) و اجبار یک کشور به وسیله تهدید یا اعمال زور (ماده ۵۲) و فسخ یک معاهده یا تعلیق اجرای آن در نتیجه نقض (ماده ۶۰).<sup>۱۰۶</sup>
- دو عنوان بسیار بحث برانگیز بود؛ «انواع معاهدات چندجانبه بین‌المللی» و «نقش ثالث در حل و فصل اختلافات مربوط به بخش پنجم کمیسیون حقوق بین‌الملل» به گونه‌ای که در اجلاس ۱۹۶۸، توافقی برای آن‌ها صورت نگرفت و در اجلاس ۱۹۶۹ هم می‌رفت که موقعیت کنفرانس را به مخاطره افکند. مورد اول عمدتاً از سوی کشورهای بلوک شرق مطرح گردیده بود و مورد دوم در جایی پیش‌تر مطرح می‌شد که دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان مرجع منحصر به فرد حل اختلافات در نظر گرفته شده بود. در حالی که کشورهای بلوک شرق با صلاحیت اجباری و انحصاری دیوان بین‌المللی دادگستری مخالفت می‌کردند، نمایندگان کشورهای غربی معتقد بودند که دیوان در تحول و توسعه حقوق بین‌الملل نقش به‌سزایی ایفا نموده و از سوء استفاده از حق جلوگیری می‌نماید. لذا برای رهایی از این بن‌بست، آقای الیاس نماینده کشور نیجریه با همکاری نمایندگان ده کشور افریقایی - آسیایی مجموعه پیشنهاداتی را به شرح زیر ارائه نمودند:
- پذیرش اعلامیه راجع به مشارکت جهانی در عهدنامه وین در خصوص حقوق

معاهدات - به رغم غیرالزامی بودن و جزء متن معاهده نبودن - از اجزای سند نهایی محسوب گردد؛<sup>۱۰۷</sup>

- راجع به نقش ثالث در حل و فصل اختلافات، ارجاع مسئله به دیوان بین‌المللی دادگستری فقط در مورد قاعدهٔ آمره (مواد ۵۳ و ۶۴ کنوانسیون) تنها راه‌حل نهایی است، مگر آن‌که طرف‌های اختلاف با رضایت مشترک توافق نمایند که آن را به داوری ارجاع کنند و برای سایر اختلافات هم روش سازش غیراجباری پیش‌بینی گردد؛  
- پذیرش قطع‌نامه منضم به کنوانسیون راجع به مادهٔ ۶۶.

مجموعهٔ پیشنهادات ده کشور با ۶۱ رأی موافق و بیست رأی مخالف و ۲۶ رأی ممتنع در یک شرایط حساسی از حیات کنفرانس، مورد پذیرش قرار گرفت و موجب موفقیت نهایی کنفرانس در به ثمر رساندن کنوانسیون وین گردید.

### د - انعقاد معاهده وین و لازم‌الاجرا شدن آن

کنفرانس وین در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۶۹، عهدنامهٔ وین دربارهٔ حقوق معاهدات را نهایی نمود و بدینسان برای اولین بار جامعهٔ جهانی در طول حیات چند هزار سالهٔ خود واجد مجموعهٔ اصول و قواعدی، کم و بیش متحدالشکل، ناظر به معاهدات بین‌المللی گردید. به این سند مهم جهانی، ۷۹ کشور رأی موافق و فقط یک کشور (فرانسه) رأی مخالف داد و ۱۹ کشور هم در رأی دادن شرکت نکردند. در همان جلسهٔ عمومی کنفرانس، علاوه بر متن کنوانسیون، سند نهایی که جزئی منفک از کنوانسیون است به اضافه دو اعلامیه و پنج قطع‌نامه به طریقه کنسانسوس (اجماع) مورد پذیرش قرار گرفت. نکته قابل توجه این‌که اعلامیهٔ راجع به مشارکت جهانی در عهدنامه وین در خصوص حقوق معاهدات در بند اول خود اعلام می‌دارد:

معاهدات چندجانبهٔ مربوط به تدوین و توسعهٔ مترقیانه حقوق بین‌الملل یا آن‌هایی که موضوع و هدفشان برای کل جامعهٔ بین‌المللی واجد نفعی است، باید برای مشارکت همهٔ کشورهای جهان مفتوح باشند.

به موجب مادهٔ ۸۱ کنوانسیون وین «عهدنامه حاضر جهت امضای کلیهٔ کشورهای عضو سازمان ملل متحد یا نمایندگی‌های تخصصی یا آژانس‌های بین‌المللی انرژی اتمی،

و نیز جهت هر طرف ملحق شده به اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری و یا هر کشور دیگر که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای الحاق به عهدنامه دعوت نگردیده است،... مفتوح می‌باشد.»

عهدنامه مزبور که از تاریخ ۳ مه ۱۹۶۹ تا ۳۰ آوریل ۱۹۷۰ جهت امضا گشوده بود، به امضای ۴۶ کشور رسید - و بعد از امضا می‌بایست به تنفیذ و تصویب مراجع ذیصلاح کشورها برسد (ماده ۸۲ کنوانسیون) - و نیز عهدنامه جهت الحاق کشورهای غیر امضا کننده که واجد شرایط عضویت باشند، مفتوح است. به موجب بند اول ماده ۸۴، این عهدنامه ظرف سی روز پس از سپردن سی و پنجمین سند تنفیذ یا الحاق، لازم‌الاجرا خواهد شد که در تاریخ ۲۷ ژانویه ۱۹۸۰ با پیوستن کشور توگو این مهم عملی شده است. تا پایان سال ۲۰۰۰، ۹۱ کشور به عضویت آن درآمده و ۴۶ کشور دیگر هم آن را امضا نموده<sup>۱۰۸</sup> بعضی از کشورها هنگام امضا، تصویب و تنفیذ، الحاق و یا پیوستن بدان مبادرت به صدور اعلامیه تفسیری و اعلامیه شرط نموده و برخی دیگر نسبت به این‌ها واکنش نشان داده‌اند.

## نتیجه‌گیری

با بررسی مختصری که از معاهدات در ادوار مختلف تاریخی به عمل آمد، به نتایج زیر می‌توان دست یافت:

- ۱- وجود انواع و تعداد معاهدات، مبین نوع روابطی بوده است که در هر مقطعی از تاریخ وجود داشته است. وجود تعداد بی‌شماری از معاهدات صلح در هر دوره‌گویای نوعی رابطه زور و غلبه در روابط بین‌الملل بوده است. به نظر می‌رسد در عصری که در آن به سر می‌بریم حداقل در بُعد ثوریک این خصیصه دگرگون شده باشد و ما شاهد پیدایش نسل‌های متنوع از عهدنامه‌ها در زمینه همکاری‌های غیر خصمانه هستیم.
- ۲- تا این اواخر تشریفات انعقاد معاهدات و ضمانت اجراهای آن بیشتر جنبه اخلاقی و مذهبی داشته و ابزارها و نهادهای ملموس دیگر کم‌تر به چشم می‌خورد. اما به تدریج در این زمینه نیز ما شاهد دگرگونی و تحولات هستیم.

۳- وجود فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف با معیارها و ارزش‌ها متفاوت، تفاهم بر سر موازین و حداقل‌های مشترک را در گذشته چندان آسان نمی‌نمود ولی امروزه این‌گونه اختلافات کم‌تر شده و مجموعه‌ای از معیارها و ارزش‌های مشترک نمود پیدا کرده که زمینه را برای قانونمندی موازین یکسان حاکم بر معاهدات فراهم ساخته است.

۴- معاهده مفهومی است که به تناسب میزان همبستگی بین دولت‌های مختلف، وحدت منافع کلی بین ابنای بشر و تلاش افراد گیتی در ایجاد فرهنگ و تمدن و افکار عمومی بین‌المللی، تحول و رشد و توسعه یافته است و خود زمینه‌ساز نوعی همبستگی فکری به منظور ایجاد تعادل بر روابط بازیگران عرصه بین‌المللی گردیده است.

۵- با توجه به تحولات پدید آمده، از طریق «معاهدات»، «جامعه بین‌المللی» نسبتاً واقعی‌تر موجودیت یافته است و تبدیل جامعه مجرد گونه گذشته به «جامعه بین‌المللی» واقعی و بامعنا، جهانیان را در مقابل مجموعه حقوق و تکالیف متحدالشکل قرار داده است که معاهدات ابزار مناسب تجلی این واقعیت است.

۶- «صلح» و «بشریت» به ارزش‌های مقبول جامعه جهانی تبدیل شده است و امروزه کم‌تر انسان و نهادی را در دنیا مشاهده می‌کنیم که به این ارزش‌های متعالی ننگرند یا بی‌التفات باشند. از این رو انعقاد معاهدات در چهارچوب چنین ارزش‌هایی پشتیبان‌های فلسفی و ارزشی اجرایی خود را پیدا نموده است و می‌رود که آینده جامعه بشری از این طریق، قانونمندی بهینه شود.

## پی‌نوشت‌ها:

1. See: P. Guggenheim, *Traite De Droit International Public* (2d ed. 1967) Vol. 1, p. 114.
2. See: M. Lachs, *Le Développement Et Les Fonctions Des Raités Multilatéraux*, R.C.A.D.I., Tome 92, 1957 (II), p. 233, Note 2.
3. City - State.
4. See: B.M. Taube, "L'inviolabilite Des Traités", R.C.A.I.D., Tome 32, 1930, p. 229; Guggenheim, op. cit., p. 113 ets; Wolfgang Preiser, *History of the Law of Nations: Ancient Time to 1648*, *Encyclopedia of Public International Law*, North Holland, Vol 7, 1984, p. 133.
5. See: B.M. Taube, op. cit., p. 300.
- نیز ر.ک: آرتور نوس‌بام، «تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل»، زیر نظر متین دفتری (بی‌تا) ص ۲.
6. See: B.S. Korff, *Introduction à l'Histoire du Droit International*, R.C.A.D.I., 1923, Tome I, p. 8 et s.
۷. سلطنت حتی‌ها در آسیای صغیر از قرن هجدهم تا قرن دوازدهم قبل از میلاد مسیح باگرفت. جهت مطالعه بیش‌تر در این مورد ر.ک: آنسکلویدی لاروس بزرگ (پاریس، پرستیز لاروس، ۱۹۷۰ م) ج ۱۰، کلمه حتی‌ها.
8. See: B.M. Taube, op. cit., p. 304.
- نیز ر.ک: آرتور نوس‌بام، همان، ص ۴.
9. See: Siu Tchoan - Pao, "Le Droit Des Gens De La Chine Antique" (Paris, 1926) P. 113 et s & B.M. Taube, op. cit.
- در این نوشته‌ها طرح اتحاد بزرگ ایالات چین را به کنفوسیوس (۵۵۱ - ۴۷۹ قبل از میلاد) منسوب دانسته‌اند.
۱۰. در خصوص کشور چین ر.ک:  
Wang Tieya, *International Law in China: Historical and Contemporary Perspectives*, R.C.A.D.I., Tome 221, 1990 (II), p. 212 et s.; W.A.P. Martin, "Les Vestiges d'un Droit International Dans l'ancienne Chine", *Revue de Droit International et de Legislation Comparé*, Vol. XIV, 1882, p. 227-242.
- و درباره هند ر.ک:  
H. Chattejee, *International Law and Inter - State Relations in Ancient India*, 1958; T.B. Mukherjee, *Inter - State Relations in Ancient India*, 1967; N. Singh, *History of the Law of Nations Regional Development: South and South - East Asia*, *Encyclopedia of Public International Law*, Vol. 7, p. 237-252.
۱۱. ر.ک: محمدعلی حکمت، حقوق عام ملل (تهران، انتشارات شرکت سهامی چهار، ۱۳۳۱) ص ۵۷ به بعد؛  
N. Singh, op. cit., p. 239; N Singh, *The Machinery and Method for Conduct of Inter - State Relations in Ancient India*, *International Law at Ltime of Perplexity - Essays in Honour of SH. Rosenne*, Martinous Nujhoff Publishers, 1989, p. 852.
12. See: W. Tieya, op. cit., p. 212.
- بنابر نوشته ایشان، دوران دولت‌های اسپرینگ (Spring) و آتمن (Autumn) (۷۲۲ - ۴۷۶ قبل از میلاد) و وارینگ



- (Warring) (۴۷۶ - ۲۲۱ قبل از میلاد) قدیمی‌ترین دوران دودمان زو (Zhou) که خود با پیشینه‌ترین دودمان ثبت‌شده تاریخ چین (باستان) است. می‌باشند و به احتمال زیاد از قرن یازده قبل از میلاد شروع و تا ۲۲۱ قبل از میلاد ادامه یافته است.
۱۳. ر.ک: آرتور نوس بام، همان؛ ص ۶-۱۳.
۱۴. ر.ک: ارسطو، سیاست، ترجمه دکتر حمید عنایت (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸).
15. W. Preiser. op. cit. p. 136.
16. Ibid., p. 141.
۱۷. جهت مطالعه متن کامل این معاهده ر.ک: مجموعه عهدنامه‌های تاریخی ایران از عهد هخامنشی تا عصر پهلوی (۵۵۹ قبل از میلاد تا ۱۹۴۲ میلادی برابر با ۱۳۲۰ شمسی). گردآوری ع. وحید مازندرانی (انتشارات وزارت امور خارجه. ۱۳۵۰) ص ۴۸-۵۱.
18. See: Guggenheim, Contribution à L'histoire Des Sources Du Droit Des Gens, R.C.A.D.I., Tome 94 (1958) p 56 and Traité de Droit International Public, p 117.
۱۹. ماده ۸ معاهده.
۲۰. ماده ۱۱ معاهده.
21. P. Guggenheim, op. cit., p. 68.
۲۲. این دستگاه قانونی اواخر قرون وسطی در چندین مجموعه مدون شد و جمعاً مشتمل بر مواضعی بود که بعدها به نام «مجموعه قوانین کانونیک» (Corpus Juris Canonici) خوانده شد.
۲۳. ر.ک: آرتور نوس بام، همان. ص ۲۴.
۲۴. همان، ص ۲۵.
۲۵. ر.ک آیات: «الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ (۴) آیه ۹»؛ «الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ» (توبه ۹) آیه ۷ و «فَاتَمَّوْا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى مَدَنِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ» (همان، آیه ۴).
۲۶. راجع به متن عربی و فارسی و نیز توضیحات بیش‌تر در خصوص این عهدنامه که معروف به پیمان صلح مدینه می‌باشد ر.ک: محمد حمیدالله، نامه‌ها و پیامهای حضرت محمد (ص) و استاد صدر اسلام، ترجمه دکتر سید محمد حسینی (تهران، سروش، ۱۳۷۴). ص ۱۱۱-۱۰۱؛ و مجید خدوری، جنگ و صلح در قانون اسلام، ترجمه سید غلامرضا سعیدی (تهران، اقبال و شرکاء، ۱۳۳۵) ص ۳۰۷-۳۱۵.
27. See: W. Preiser, op. cit., p. 141.
۲۸. ر.ک: مجید خدوری، همان، ص ۳۲۸ به بعد.
۲۹. همان، ص ۳۳۲.
۳۰. درباره توضیح مختصر این عهدنامه ر.ک: سیدباقر میرعباسی، حقوق بین‌الملل عمومی (تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶) ج ۲، ص ۶۲ به بعد.
۳۱. منظور از «دنیای خارج» کشورهای غیرمسیحی است (ر.ک: ترمینولوژی حقوق بین‌الملل (سبیری، ۱۹۶۰) ص (۱۰۱)).

۳۲. کاپیتولاسیون از کلمه لاتین *Capitulare* یا کلمه ایتالیایی *Capitulazione* مشتق شده و به معنی انعقاد عهدنامه و قرارداد و یا خود عهدنامه آمده است.

بعضی از نویسندگان معتقدند که در زمان انعقاد اولین معاهده بین اعراب و مسیحیان مقیم شامات، زبان نیمی از مردم این منطقه ایتالیایی بوده و این کلمه به معنی معاهده بین مسیحیان و غیرمسیحیان به جا مانده است. برخی حتی آن را ترجمه کلمه عربی صلح موقت دانسته‌اند. علت نامیده شدن به این اسم احتمالاً آن بوده که هر قرارداد «کاپیتولاسیون» مرکب از تعدادی «کاپیتولا» یا فصل‌های کوتاه و نوعی نهاد فراسرزمینی بوده است که بیگانگان را از قوانین محلی معاف کرده با صلاحیت آن را محدود می‌ساخت. راجع به توضیحات و اطلاعات اساسی پیش‌تر ر.ک: غلامرضا علی بابائی، فرهنگ علوم سیاسی (تهران، شرکت نشر و پخش ویس، ۱۹۶۹) کتاب اول، ص ۵۹۵-۶۰۰ و

A.S. EL-Kosheri, History of the Law of Nations Regional Developments: Islam, Encyclopedia of Public Interantional Law. (North Holland, 1984) Vol. 7, p. 226-227.

33. cf. H. Otsuka, Japan's Early Encounter with the Concept of the Law of Nations, Japanese Annual of International Law, Vol. 13, 1969, p. 56.

34. cf. C. H. Alexandrowicz, Treaty and Diplomatic Relatios Between European and South Asian Power in the XV II th and XVIII th. Centuries., R.C.A.D.I., Tome 100, 1960, p. 207 et s.

۳۵. ر.ک: آنتونیو کاسسه، حقوق بین‌الملل در جهانی نامتحد، ترجمه مرتضی کلانتریان (تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ۱۳۷۰)، ص ۶۶.

36. cf. M. Lachs, Le Développement et les Fonctions Des Traitè Multilatéraux, R.C.A.D.I., Tome 92, 1957 (II), p. 234 - 235.

۳۷. منظور از «قدرت‌های بزرگ» در این دوران قدرت‌های اروپایی است و عبارت‌اند از: اتریش، روسیه، پروس و انگلستان که مدتی بعد فرانسه هم به جمع آنها افزوده شد.

38. cf. Y. L. Liang, Le Développement et La Codification du Droit International, R.C.A.D.I., Tome 73, 1948 (II), p. 422.

39. Traités - lois 43.

40. Cercle fermè 42.

۴۱. ر.ک: سیدباقر میرعباسی «حقوق سازمان‌های بین‌المللی» مبحث جامعه ملل.

۴۲. سازمان بین‌المللی کار، در ۱۹۱۹ به موجب معاهده صلح و رسای تشکیل شد (فصل سیزدهم، ماده ۲۲۷ - ۳۸۷). در اجلاس بیست و هشتم کنفرانس عمومی کار در پاریس (۱۹۴۵) و مونترال (۱۹۴۶) فصل سیزدهم معاهده صلح اصلاح شد و اساسنامه سازمان بین‌المللی کار رسماً به تصویب رسید. برای آگاهی از متن اساسنامه بین‌المللی کار و اصلاحات بعدی و نیز برخی از مقاله‌ها ر.ک:

H. V. Mangoldt and Others, The United Nations System and its Predecessors (Oxford University Press, 1997) Vol. I, p. 1063 - 1104.

۴۳. ر.ک: مجموعه قوانین بین‌المللی کار (۱۹۳۹) (سازمان بین‌المللی کار، ۱۹۴۱).

44. Quoted from: Y.L. Liang, op. cit., p. 428.

۴۵. به عنوان مثال ر.ک: ماده ۱۹ قانون اساسی سازمان بهداشت جهانی و بند ۴ ماه چهار قانون اساسی یونسکو.  
 ۴۶. این پیمان که در نوع خود پیمانی ویژه است در ۲۶ سپتامبر ۱۹۲۸ به تصویب جامعه ملل رسید. رئیس مجمع و دبیر کل جامعه ملل این پیمان را امضا کرده و به آن اعتبار رسمی دادند. البته این امر الزاماً مانع از آن نبود که کشورها بعداً این سند را ظرف مدتی معین امضا نمایند.

۴۷. در ۲۱ ژوئیه ۱۹۲۰، کمیته‌ای از حقوق دانان در لاهه، مأمور تهیه طرح اساسنامه دیوان دائمی دادگستری شد. این کمیته به پیشنهاد دو عضو امریکایی و بلژیکی خود یعنی الیهوروت و بارون دکام، به جامعه ملل توصیه کرد هر چه زودتر کنفرانسی در مورد «پیشبرد حقوق بین‌الملل» تشکیل دهد. این پیشنهاد چند ماه بعد، در اولین اجلاس مجمع جامعه ملل مطرح گردید، ولی به علت مخالفت کشورهای موقفیتی به دست نیامد (۱۸ دسامبر ۱۹۲۰). در ۱۹۲۴ این مسئله به پیشنهاد دولت سوئد در مجمع مطرح گردید. مجمع این بار در ۲۲ سپتامبر ۱۹۲۴ قطع‌نامه‌ای تصویب کرد و از شورا دوباره درخواست نمود که کمیته‌ای از صاحب‌نظران را مأمور نماید صورتی از موضوعات قابل بررسی را تهیه کند و برای اطلاع از نظر کشورها جهت آنان ارسال نماید. به موجب این قطع‌نامه، کمیته موظف بود بعد از دریافت نظر کشورها طرحی تهیه کند و آن را به انضمام خلاصه کار و گزارش در مورد چگونگی آیین تهیه و تدوین مقررات و تشکیل کنفرانس، به شورا تسلیم نماید. پس از چندی، این کمیته که از هفده عضو تشکیل شده بود صورتی از یازده موضوع مختلف را برای کشورهای عضو جامعه ملل ارسال نمود. ر.ک: شارل روسو، حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمدعلی حکمت (۱۳۷۰) ج ۱، ص ۳۵۷.

۴۸. موضوعات مختلفی که این کمیته برای کشورها فرستاد عبارت بودند از: ۱- تابعیت ۲- آب‌های سرزمینی ۳- مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک ۴- مسئولیت دولت‌ها در قبال اتباع بیگانه و اموال آن‌ها ۵- آیین تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی و آیین انعقاد و نگارش معاهدات ۶- دزدی دریایی ۷- استخراج منابع دریایا ۸- ابلاغ احکام قضایی و نیابت قضایی ۹- وضعیت حقوقی کنسول‌ها ۱۰- تجدیدنظر در طبقه‌بندی نمایندگان دیپلماتیک ۱۱- صلاحیت دادگاه‌های داخلی در قبال کشورهای بیگانه. نتیجه‌ای که کمیته در بررسی نظرهای کشورها در قبال مسائل یاد شده به دست آورد چندان رضایت‌بخش نبود؛ چنان‌که از میان آن‌ها تنها در مورد سه مسئله پاسخ مثبت دریافت نمود که عبارت بودند از: تابعیت، دریای سرزمینی و مسئولیت دولت‌ها. پس از انتشار گزارش کار کمیته در مارس ۱۹۲۷، مجمع در ۲۷ سپتامبر همان سال کمیته‌ای را که متشکل از پنج عضو بود، مأمور نمود تا در مورد سه مسئله فوق تحقیق علمی کند و در این راه با تکیه بر رویه بین‌المللی، از دولت‌ها نظرخواهی نماید. کمیته پس از انجام مأموریت، طرحی در این مورد تهیه کرد و در ضمن آن به نحوه تشکیل کنفرانس تدوین حقوق بین‌الملل نیز اشاره نمود. مجمع سرانجام با تصویب طرح کمیته از کشورها دعوت کرد تا برای اعلام نظر نهایی کنفرانس بین‌المللی تشکیل دهند. این کنفرانس با حضور نمایندگان ۲۷ کشور از ۱۳ مارس تا ۱۲ آوریل ۱۹۳۰ تشکیل جلسه داد. از این تعداد ۲۹ کشور اروپایی، یازده کشور امریکایی، پنج کشور آسیایی و دو کشور آفریقایی بودند که از آن میان ۳۸ کشور در جامعه ملل عضویت داشتند. از میان موضوعات مورد بحث تنها موضوع تابعیت به تصویب کنفرانس رسید و معاهده‌ای در مورد آن تهیه شد. برای اطلاع بیشتر ر.ک: شارل روسو، همان.

۴۹. موافقت‌نامه‌های کلی ۱۹ ژوئیه و ۲۰ سپتامبر ۱۹۲۶ بین سوئیس و جامعه ملل و سوئیس و سازمان بین‌المللی کار.
۵۰. به نقل از: آقای مانترد لاکس در مجموعه میشل ویرالی:
- M. Lachs, Quelques Reflexions Sur La Communauté International, in: Mélanges M. VIRALLY, Paris, Pedone, 1991, p. 355.
51. cf "Loeuvre De La Commission du Droit International" in: Le Droit Interantional á Laube du YXle Siécle... op. cit., p. 27, note 58; cf. aussi: knapp, A Commentary of Article 102, in: B. Simma; The Charter of the U.N - A Commentary (Oxford University Press, 1995) p. 1113.
52. Ibid.
53. cf. R.J. Dupuy, A Handbook on Inrerantional Organizaions, 1988, p. XXV.
۵۴. رک: سازمان ملل، مجموعه معاهدات، ج ۵۰۰، ص ۹۵.
۵۵. همان، ج ۵۹۶، ص ۲۶۱.
۵۶. همان، ج ۱۴۰۰، ص ۲۳۱.
۵۷. رک: مجموعه قوانین سال ۱۳۶۷، ص ۴۹۱ - ۵۲۴.
۵۸. رک: سازمان ملل. مجموعه معاهدات، ج ۵۱۶، ص ۲۰۵.
۵۹. رک بد: همان، ج ۴۵۰، ص ۱۱.
۶۰. همان، ج ۵۵۹، ص ۲۸۵.
۶۱. همان، ج ۴۹۹، ص ۳۱۱.
62. See: Document A/CONF. 62/122 et Corr, 1á 11.
۶۳. درباره مجموعه این اسناد مهم رک: ژرژ بشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، F. Ermacora, M. Nowak, H. Tretter, International Human Rights Documents (Vienna, Law Books in Europe, 1993) p. 343.
۶۴. رک: چهل و هشتمین گزارش سالانه کمیسیون حقوق بین‌الملل، ص ۱۷۴ - ۱۴۴.
۶۵. رک: همان، ص ۳۶۴ - ۲۶۴.
۶۶. جهت کسب اطلاعات هر چه بیشتر از این اسناد و معاهدات رک:
- T. Scovazzi, and T. Treves, World Treaties for the Protection of the Environment (Milano, Instituto Per Lomambiente. 1992) p 720; Rummel - Bulska and S. Osafo, Selected Multilateral Treaties in the Field of the Environment (Cambridge, Grotius, 1991); A. Székely, Non - Binding Commitments: A Commentary on the Softening of Interantional Law Evidenced in the Environmental Field, in: International Law on the Eve of the Twenty - First Century Views from the International law Commission (U.N., 1977) p. 173 - 199.
67. See: C. H. Kiss, Droit Interantional De évironnement (Paris, Pedone, 1992) p. 46.
68. cf. Document A/CONF. 80/31.
69. cf. Document A/CONF. 117/14.

70. See: J. P. Cot and P. Boniface, Disarmament and Arms Control, in M. Bedjaoui International law: Achievement and Prospects (Paris, UNESCO, 1991) p 811-821; CH. Yamanda, Peace Through Disarmament? Legal Aspect in: International Law on the Eve of....., op. cit, p. 253.

71. SALT: Strategic Arms Limitation Talks.

۷۲. ر.ک: سازمان ملل، مجموعه معاهدات، ج ۱۱۱۵، ص ۳۳۱ و مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، سال ۱۳۶۶، ج ۸، ص ۲۲۳-۲۷۳.

73. cf. Document A/CONF. 129/15.

۷۴. در حالی که وجود تعداد سازمان‌های بین‌المللی و انعقاد قراردادهای بین‌المللی به وسیله آن‌ها، قبل از سال ۱۹۴۵ بسیار شاذ و نادر بوده است، در این باره ر.ک:

B. Kasme, La Capacité De L'organisation Des N.U. De Conclure Des Traités, Paris, L.G.D.J., 1960, p. 8.

و حتی شخصیت بین‌المللی این‌گونه سازمان‌ها، از جمله جامعه ملل مورد تردید بوده است، ر.ک: به توضیحات آقایان قضات:

Spender and Fitzmouris, in: Affaires Sud - Ouest Africain, Rec. 1962, p. 475, & arrêt de La Cour, Rec. 1966, p. 30.

75. See: P. Reuter, Introduction au droits Des traités, Paris, P.U.F. 1985, p. 11 et s.

76. cf. H. Mosler, The International Society As A Legal Community, R.C.A.D.I, Tome 140, 1976 (IV) p. 29.

۷۷. بنگرید به آقای لیانگ مدیر مسئول بخش توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل دبیرخانه سازمان ملل متحد: Y. L. Liang, Le Développement et La Codification Du Droit International, R.C.A.D.I. Tome 73, 1948 (II), p 411-412; cf, UNCIO, III, p. 24.

۷۸. درباره مجموعه پیشنهادات و بحث‌ها که در کمیسیون‌ها و کمیته‌های مختلف کنفرانس سانفرانسیسکو راجع به موضوع به عمل آمده است ر.ک:

UNCIO, Vol. III, Doc. 1 et 2; Vol. VIII, Doc. 1151; Vol. IX, Doc 203, 416, 507, 536, 571, 792, 795, 848; Y. Daudet, (Commentaire de L) Article 13, Paraphe 1 (a), in: Cot et Pellet: La Charte Des Nu., Paris, Economica, 1985, p. 312; N.U: La Commissions Du Droit International Et Son Oeuvre, NewYork, 1989, 4e Ed., p. 4.

۷۹. ر.ک به پیشنهاد هیئت نمایندگی کشور مصر به منظور اصلاح طرح پیشنهادی دامبارتن اوکس در:

UNCIO., Doc. 2 (French) G/7 (q) (1).

۸۰. کنفرانس سانفرانسیسکو به منظور تقسیم کار به چهار کمیسیون و هر کمیسیون هم به چند کمیته و هر کمیته هم به نوبه خود به چند سوکمیته تقسیم می‌شد. جهت آگاهی بیشتر ر.ک: سیدباقر میرعباسی، جزوه سازمان‌های بین‌المللی (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶) ص ۸۳-

81. cf. UNCIO., Doc. 507, Procés - Verbal de La dixième Séance du Comité II/2, 21 mai 1946,

11/2/22.

82. cf. UNCIO., Doc. 818 (French) 11/2/46.

۸۳. در باب تأسیس کمیسیون حقوق بین‌الملل در راستای به اجرا درآمدن ماده ۱۳، بند ۱، حرف «الف» منشور ر.ک: سیدباقر میرعباسی، حقوق بین‌الملل عمومی (تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۶) ج اول.

۸۴. درباره‌ی عناوین تدوینی که در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل قرار داشت ر.ک: همان. در نتیجه کمیسیون مدت هفده سال صرف وقت نمود تا طرح حقوق معاهدات را مهیا نماید.

۸۵. البته این مقدار صرف وقت به جز اوفاتی است که گزارشگرهای ویژه صرف نموده‌اند و یا مباحثاتی است که در صحن کمیسیون صورت پذیرفته و یا اوفاتی است که کمیسیون به منظور ایجاد قرابت نظریه‌ها و دیدگاه‌ها اختصاص می‌داده است.

86. cf. YBILC., 1966 (II), p. 177, para 35.

۸۷. این گزارش‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: برای ۱، ۲، ۳ و ۴ رزروهای برای ۱ در فاصله بین سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۵۲؛ لوترپاخت ۱، لوترپاخت ۲ در فاصله زمانی ۱۹۵۳ - ۱۹۵۴؛ فیتز موریس ۱؛ فیتز موریس ۲؛ فیتز موریس ۳؛ فیتز موریس ۴. فیتز موریس ۵ در دوره ۱۹۵۶ - ۱۹۶۰؛ والداک ۱، والداک ۲؛ والداک ۳ برای اولین شور در سال‌های ۱۹۶۲ - ۱۹۶۴؛ والداک ۴ و والداک ۵ و والداک ۶ برای شور دوم در سال‌های ۱۹۶۵ - ۱۹۶۶. بین سال‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۶۶ بیش از هجده گزارش توسط گزارشگران ویژه ارائه شد که هفت گزارش توسط آقای والداک بود.

۸۸. درباره‌ی متن مواد آزمایشی مصوب کمیسیون بین سال‌های ۱۹۵۱ - ۱۹۵۹ بر اساس گزارش‌های برای ۱ و فیتز موریس ۱ بنگرید به سند: A/CN. 4/99 - سال ۱۹۶۲؛ درباره‌ی گزارش راجع به رزرو در معاهدات چندجانبه مبتنی بر اساس گزارش برای ۱، ر.ک: به گزارش برای ۱، سال ۱۹۵۱، فصل ۲؛ راجع به پاسخ کشورها به پرسشنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل نگاه کنید به سند: A/CN. 4/19(1950) و هم چنین راجع به قوانین و رویه‌های مربوط به انعقاد معاهدات، بنگرید به مجموعه قانون‌گذاری ملل متحد، سند: ST/LEG/SER.B/3(1953)

۸۹. جهت آگاهی و اطلاعات بیش‌تر از متن این گزارش‌ها ر.ک:

Sh. Rosenne, The Law of Treaties: A Guide to the Legislative History of the Vienna CONvention (1970); M.E, Villiger, Customery International Law and Treaties (Martinus Nijhoff, 1985) p. 87-89; R. Ago, le Droit Des Traités á la Lumière De La Convention De Vienne, R.C.A.D.I., Tome 134, 1971 (III), p. 303 et s.

90. cf. G.A. Res. 478 (V) of 16 November 1950.

۹۱. درباره بحث تفصیلی راجع به این گزارش‌ها ر.ک:

YBILC., 1951 (II), p. 1 et s.; M.K. Nawaz, The International Law Commission's Views on the Subject of Reservations to Multilateral Coventions, I.J.I.L., 1960, p. 100 et s.; C.G Fenwich, Reservations to Multilateral Conventions: The Report of the I.L.C., A.J.I.L. (46) 1952, p.119 et s; Ruda, Reservations to Treaties, R.C.A.D.I.,T. 146, p. 148-152.

92. See: Yearbook of International Law Commission, Vol. 2, 1956, p. 107; I. Sinclair, The Vienna Convention on The Law on Treaties (1984) p. 3.

۹۳. ر.ک: ایو دوده، تفسیر ماده ۱۳، بند ۱، حرف «الف» منشور در: بیرگت و آلن پُلِت، شرح و تفسیر مواد منشور، پیشین، ص ۳۱۳ و M.E.Villiger, op. cit., p. 88. قاضی ژول - بَدوان جهات ترجیحی این‌گونه مجموعه قواعد را چنین بیان کرده است: "Restatement" قانون الزام‌آور نیست بلکه شرحی از قانون الزام‌آور است که مورد پذیرش قرار می‌گیرد. ارزش آن بستگی به دقایق و کمال آن دارد. جهت التزام کشورها به این‌گونه مجموعه‌ها به امضا و تصویب نیازی نیست. با وجود این، کشورها اغلب از اقتدار آن تبعیت می‌کنند. دولتی که با این‌گونه مجموعه‌ها از در مخالفت درآید، باید منتظر واکنش افکار عمومی در قبال موضع مخالفتش باشد (ایو دوده، همان).

94. See: R. Ago, op. cit., p. 308.

95. See: Ibid., p. 308-309; I. Sinclair, op. cit., p. 4; Yearbook of International Law Commission, vol. 2, 1961, p. 128.

96. cf. YBILC., 1966 (II), p. 177, para 35.

۹۷. جهت کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: cf. A. K. EL Kadiri, La Position des Etats du Tiers Monde á La Conférence de Vienn Sur Le droit des Traités, Robot, 1980.

۹۸. جهت کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: Y. Daudet, Note Sur l' Organisation et Les Méthodes de Travail de La Conference de Vienne Sur Le Droit Des Taités, A.F.D.I., Vol. 15, 1969, p. 54 et s.

۹۹. کنفرانس، آقایان آگو را به عنوان رئیس و الیاس را به عنوان رئیس کمیته اصلی و باسین را به عنوان رئیس کمیته پیش‌نویس و آرچاگا را به عنوان گزارشگر کمیته پیش‌نویس تعیین نمود. هیئت نمایندگی کشورهایی که از اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل بودند از جمله می‌توان به آقایان: طیبی، رودا، آمادو، کاسترن، روتر، روزن، نزوروکا، آل اریان و بریگز اشاره نمود.

100. See: SH. Rosenne, op. cit., p. 67.

۱۰۱. کمیته پیش‌نویس که مرکب از پانزده عضو بود، همانند کمیته پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل و طبق مقررات مشابه کار خود را انجام می‌داد. ر.ک:

Ibid., p. 66.

۱۰۲. به عنوان مثال، بند ۲ ماده ۵ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل (که راجع به صلاحیت انعقاد معاهدات توسط دولت‌های عضو دولت فدرال بود) و نیز ماده ۶۲ تکراری (که راجع به صلاحیت اجباری حل اختلاف بود و توسط کنفرانس پیشنهاد شده بود) از آن جمله بوده است.

103. See: SH. Rosenne, op. cit., p. 69.

M.E. Villiger, op. cit., p. 93-94

۱۰۴. برای توضیحات هر چه بیشتر ر.ک:

۱۰۵. به عنوان مثال مواد: ۱۰، ۱۶، ۳۲ و ۳۴ از آن جمله بوده است.

۱۰۶. جهت کسب اطلاعات و توضیحات بیشتر ر.ک:

SH, Rosenne, op. cit., p. 74; M.E. Villiger, op. cit., p. 94-327-357.

۱۰۷. جهت آگاهی از متن این اعلامیه رک: بخش دوم ضمیمه شماره ۲ کنوانسیون.

108. www. un. org.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی